

اورال

فرهنگی - اجتماعی

اورال در گویش شیرین هزاره گی آغاز فصل بهار است.

صاحب امتیاز : مؤسسه فرهنگی اورال

مدیر مسؤل : جواد محقق

سر دبیر موقت: امیرهمایون صادقی

ویرایشگر: محمد عیسا زرگری

گزارشگر: محمد نسیم (ابراهیمی) کابل ۰۷۸۶۸۲۷۴۰۴

تحت نظر شورای نویسندگان

مسؤل دیزاین و گرافیسٹ: اسدالله سلیمی ۰۷۹۹۲۸۲۷۲۰

آدرس در فیسبوک : Oral Magazin

پست الکترونیکی: MagazineOral@yahoo.com

آدرس پستی: Watermuntstraat 101

1531 TN wormer Nederland

شماره تماس: 031756151825

چاپ : هالند

هر گونه استفاده از مطالب مجله با ذکر عنوان و نام نویسنده مطلب مانعی ندارد. مطالب ارسالی پس داده نمیشود.

اداره مجله در ویرایش مطالب آزاد است. اداره مجله از عموم خوانندگان

و نویسندگان می خواهد تا در کارایی و بهتر شدن مجله همکاری نمایند.

شما می توانید مطالب تان را به آدرس پست الکترونیکی مجله با ذکر

نام خود ارسال فرمایید. از پیشنهادات و انتقادات سازنده شما با آغوش

باز استقبال مینماییم



سمینار حقوق بشر و هزاره ها در شهر لاهه - هالند

اساسی برشمرده شد که میتواند وضعیت حقوق بشر را در کشور بهبود بخشد.

فردی که در اجتماع انسانی زندگی می کند دارای حقوق مساوی با دیگران هست و باید از آن برخوردار باشد و متقابلاً وظیفه دارد به حقوق دیگران هم احترام گذاشته و آنرا مراعات کند.

فرد فرد جامعه بشری در عین حالیکه وظیفه دارد از حقوق خویش دفاع نماید باید برای رسیدن سایر اعضای جامعه برای حقوق شان تلاش و کوشش نماید.

سخنرانان و نظریه پردازان از ظلم و ستم بر هزاره ها منحنیت شهروندان کشور یاد کردند و بر رعایت حقوق همه ی مردم افغانستان چه در داخل بعنوان حق شهروند و چه در خارج از کشور بعنوان مهاجر و پناهنده تأکید کردند.

از بیعدالتی و ظلم دوامداری که در حق مردم هزاره در سالیان دور و نزدیک صورت گرفته یادآوری نمودند و بر رفع این نسل کشی ها، حق کشی ها و بیعدالتی ها اصرار نمودند.

در مورد تأثیرات این نوع کنفرانس ها و جلسات میتوان گفت ؛ گام هایی رو به جلو و اقدامات مثبتی هستند که در تقویت حقوق بشر مؤثر هستند.

تدویر این سمینار برای مردم افغانستان ، خصوصاً افغانهای مقیم هالند و اروپا ، نهادهای حقوق بشری و فعالان حقوق بشر و برای دولت هالند و سایر دولتهای اروپایی و سازمانهای دولتی و غیر دولتی ارزشمند و مفید ارزیابی میگردد.

با بحث موضوع سمینار ، مشکلات و دشواریهای فراروی حقوق بشر روشن تر و آشکارتر گردید ، سپس راههای بیرون رفت از این چالشها و مشکلات مورد بحث و تبادل نظر قرار گرفت و فرصتی پدید آمد تا شرکت کنندگان با یکدیگر آشنایی حاصل نموده و عزمشان برای فعالیتهای افزون تر حقوق بشری جدی تر گردد. ضمن اینکه اشتراک کنندگان و عموم مردم با اطلاع از این سمینار آگاهی شان افزایش پیدا کرده و سرانجام برگزاری چنین سمینار هایی راهی برای ترغیب به رعایت و احترام به موازین حقوق بشر خواهند بود . در این سمینار بر احقاق حقوق مساوی برای تمامی شهروندان افغانستان اعم از هزاره ، پشتون ، تاجیک ، اوزبیک ، ترکمن ، بلوچ ، پشه یی ، نورستانی ، عرب ، پامیری و هندو و تأکید گردید و همگان را ذی حق دانسته و کرامت انسانی و حقوق یکسان و عدالت اجتماعی برای همه خواستار گردید .

این گونه حرکتیهای اجتماعی و سمینارهای تخصصی برای ریشه یابی معضلات ، چالشها و آشنایی بهتر با آنها از یک سو و از سوی دیگر ارائه راه حل ها و چاره جویی ها، بسیار مفید و سودمند است و خواهد بود . جای بسی سپاس و امتنان از دست اندرکاران و برگزار کنندگان این سمینار تخصصی است و با آرزوی موفقیت روز افزون برای شما.

مجله اورال

حقوق بشر شامل حقوق بنیادی و اساسی برای همه افراد بشر می باشد. از جمله می توان به حق حیات ، حق مسکن ، حق تعلیم و تربیه ، حق آزادی بیان و عقیده اشاره کرد . اساس و بنیاد حقوق بشر مبتنی بر حفظ شان و کرامت انسانی ، به دور از تفاوتهای قومی ، مذهبی ، ملیتی ، نژادی و ... اشاره دارد.

تجربه ی تلخ جنگ جهانی دوم با پیامدهای درد ناک ودهشتناک - نزدیک به ۵۰ میلیون کشته ، میلیون ها آواره و بی جاشده ، خرابی ها و ویرانی های بسیار- سبب گردید تا جامعه جهانی در سال ۱۹۴۸ در مجمع عمومی سازمان ملل متحد گرد هم آمده ، به این توافق نظر برسند که تحقیر و توهین و برتری طلبی انسان ها می تواند پیامدهای خطرناک و فاجعه بار داشته باشد. در طی این نشست تاریخی به این تفاهم رسیدند که « تمام افراد بشر آزاد زاده شده و در حرمت و حقوق با هم برابرند . عقلانیت و وجدان به آنها ارزانی شده و لازم است تا با یکدیگر برادرانه رفتار کنند .(ماده اول - اعلامیه جهانی حقوق بشر ۱۹۴۸).

در دهه های اخیر در سطح جهانی برای بهبود وضعیت حقوق بشر تلاشهایی صورت گرفته و بیانیه ها و میثاقهایی بین المللی صادر و تأیید گردیده است ، نمونه بارز آن اعلامیه جهانی حقوق بشر و میثاقهای حقوق بشر سازمان ملل متحد و قطعنامه های بین المللی در مورد حقوق بشر می باشند.

برگزاری هر محفل و مجلسی که موضوعات گوناگون حقوق بشری در آن مورد بحث و بررسی قرار گیرد فی نفسه ارزشمند و قابل تأمل بوده و گامی است به سوی عدالت ، برابری و انسان محوری .

به همین دلیل سمیناری تحت عنوان حقوق بشر و هزاره ها در شهر لاهه هالند (مورخه ۲۶ می ۲۰۱۴) برگزار گردید.

این سمینار از آن جنبه اهمیت داشت که دربرخورداری هر انسان از حقوق خویش بعنوان عضوی از از پیکره جامعه بشری تأکید داشت ، پس هزاره نیز به عنوان عضوی از جامعه انسانی دارای حقوق مساوی و متعادل با دیگران است .

این سمینار اهداف انسان دوستانه ای را تعقیب دارد که هر انسان آزاده ، آگاه و بشردوست ، خواهان دست یافتن به آن است .

این سمینار که با اشتراک فرهیختگان و فعالان حقوق بشر تدویر گردید، بر احترام متقابل به مقام و منزلت والای انسان تأکید داشت و پیام روشنی را به همگان می داد که اجرای عدالت و برابری و تکریم انسانیت زمینه ی رسیدن به حقوق بشر است و بدون تردید با رعایت حقوق بشر جامعه بهتر و مطلوب تری خواهیم داشت .

این جلسه بر راهکارهای عملی ارتقاء حقوق بشر برای همه شهروندان افغانستان اشاره داشت. رفع تبعیض و بیعدالتی ، نگاه یکسان و انکشاف متوازن و حکومت داری خوب ، از عوامل



هاری فن بومل

چشم پوشی از جرم و جنایت مبدل به یک امر معمول و پذیرفته شده است؛

هزاران زن، مرد و طفل هزاره قتل عام شدند. همچو قضایایی نیز به پناهجو شدن هزاره ها به پاکستان نقش داشته است اما متأسفانه امروزه در پاکستان نیز امنیت از هزاره ها سلب گردیده است. طی سال های اخیر صدها انسان هزاره در این کشور بر اثر حملات متعدد کشته و زخمی شده اند.

سال گذشته در جریان یک حمله در شهر کویته بیشتر از دوصد تن کشته و زخمی شدند. اکثراً کشتارها توسط گروه تندرو و ستیزه جوی بنام لشکر جنگوی صورت گرفته است. حکومت پاکستان مسئولیت و وظیفه تامین امنیت اتباع خویشرا در قبال همچو سازمان های تندرو و ستیزه جو به عهده دارند. اما اینطور نمی شود و همین بی توجهی حکومت و نهاد های امنیتی باعث گردیده تا گروه های تندرو و ستیزه جو هر آن چیزی خواستند انجام میدهند و چشم پوشی از جرم و جنایت مبدل به یک امر معمولی و پذیرفته شده گردیده است.

سازمان های حقوق بشری مثل دیده بان حقوق بشر نیز تایید می نماید که حکومت و نهادهای امنیتی پاکستان، نسبت به تامین امنیت شهروندان هزاره در آن کشور چشم پوشی می نمایند. همین بی توجهی باعث اوجگیری کشتار هزاره ها گردیده و باید نهادهای حقوق بشری جهانی و هالند در این راستا توجه بیشتری داشته باشند.

تاریخ نشان میدهد که اغلب پناهجویان هزاره از افغانستان نخست به پاکستان و سپس به دیگر کشورها متواری می گردند.

در حال حاضر تقریباً پنجاه هزار هزاره در استرالیا پناهنده شده اند و این موضوع نشان میدهد که به وضعیت هزاره ها می باید توجه ای جدی صورت بگیرد و جامعه جهانی قضایایی که در قبال هزاره ها بوقوع می پیوندد را مورد توجه ای جدی قرار بدهند و بر حکومت پاکستان فشار بیاورند تا امنیت هزاره ها را تامین و تضمین کنند. در ملاقات انفرادی ام و همینطور با با همکارانم در کمیسیون روابط خارجی پارلمان به آقای تیمرمن (وزیر خارجه) خاطر نشان می نمایم تا در هر فرصت و ملاقات هایش با مقامات پاکستانی تذکر بدهد که تداوم قتل عام هزاره ها در پاکستان قابل قبول نبوده و نمی تواند ادامه یابد و باید جلوش گرفته شود. همینطور بر حکومت هالند صدا میزنیم تا بر وضعیت اقلیت های تحت فشار مثل ایغورها و هزاره توجه همیشگی و دایمی داشته باشند. این مردم بنابر ناچاری های ناشی از عدم امنیت و تحت فشار به کشورهای امن همچو هالند پناهنده می شوند و تنها توجه دقیق، مستمر و انعکاس وضعیت و مشکلات آنان میتواند باعث بهتر گردیدن حقوق بشر گردد و نه کتمان آن.

بسیار خوب شد که امروز اینجا در این ارتباط صحبت گردید. در پارلمان نیز صحبت خواهم نمود و موضوعات مطرح شده امروز را مورد بحث قرار خواهیم داد تا با همکاری همین جمع امروزی و شخصیت های نشست در عقب میز راهکاری تدوین گردد و با پی گیری منظم و مرتب مقامات پاکستانی و امثال آن که در قبال نقض حقوق بشری هزاره ها توجه کافی ندارند و همینطور سیاست مداران هالندی متوجه مسئولیت های خویش گردند.»

تشکر از توجه تان

اورال : حوادث وحشتناک و درد ناک قتل عام هزاره های کویته پاکستان در سال های اخیر مصداق عینی « جنایت علیه بشریت » و نسل کشی بوده است. در طی این حوادث بیش از صدها تن کشته و زخمی شده و هزار ها تن مجبور به ترک خانه های خود شدند.

داشتن حق حیات از اصول اساسی حقوق بشری در دنیای امروزی می باشد. بر اساس اعلامیه جهانی حقوق بشر، هیچ کس حق ندارد حق حیات و زندگی انسان ها را به دلایل تفاوت های قومی، نژادی، مذهبی و جنسی ... از انسان بگیرد. اما متأسفانه گروه های افراطی از جمله لشکر جنگوی مستقر در پاکستان و طالبان این اصول بنیادی انسانی را بارها نقض کرده و دولت پاکستان نیز در تامین امنیت شهروندان خود کوتاهی کرده است.

سمینار حقوق بشر در باره هزاره ها که به تاریخ ۲۶ می ۲۰۱۴ در یکی از سالون های کنفرانس پارلمان هالند برگزار شد تلاشی می باشد به منظور تحلیل و بررسی این جنایت های ضد بشری.

اندیشه ها و عملکرد افراطی ها (من جمله لشکر جنگوی) نه تنها تهدیدی علیه هزاره بلکه علیه تمام مردم منطقه و بشریت می باشد. بنابراین از تمام مراجع رسمی (دولت ها) و نهادهای مدنی و سازمانهای مدافع حقوق بشر می خواهیم تا برای پایان دادن به چنین جنایت های ضد بشری تلاش نمایند.

در این سمینار محترم هاری فن بومل، مسئول کمیسیون روابط خارجی پارلمان هالند و سخنگوی کمیسیون روابط خارجی پارلمان اروپا نیز سخنرانی کرد؛ فشرده بیانات وی را در اختیار شما قرار می دهیم:

« صحبت های که در ارتباط به گزارش وزارت خارجه در قبال وضعیت هزاره ها صورت گرفت. متأسفانه باید گفت که این گزارش بنابر ضرورت های اداره مهاجرت در قبال پناهجویان صورت گرفته بنابرین وضعیت هزاره های افغانستان در این گزارش دقیق به تصویر کشیده نشده است. شخصاً و همچنین همراه با همکارانم در کمیسیون روابط خارجی خود در پارلمان با وزیر خارجه در این رابطه صحبت خواهیم نمود.

توجه به قتل عام و حقوق بشر برای هزاره ها که عنوان این سمینار نیز انتخاب گردیده است. نیازمند جمع آوری تمام شواهد، اخبار و گزارشات می باشد و این ضرورت امروز بیشتر از هر زمان دیگر احساس می گردد. داستان های فراوان حکایت از قتل، شکنجه، تعقیب و اعمال تعصب در قبال هزاره ها می نماید.

عریضه ای که در ارتباط با کشتار هزاره ها در پاکستان و افغانستان به کمیسیون روابط خارجه پارلمان سپرده شد و در پی گیری قضیه، وزارت خارجه به پارلمان هالند گزارشی از اجراءات خویش ارائه نموده است که آمار و ارقام کشتار هزاره ها را دقیقاً تایید نمی توانند، زیرا آنهادراین زمینه معلومات و آشنایی دقیق ندارند. من این نکته را با وزیر خارجه بحث کرده و متذکر خواهم شد.

اما سفیر حقوق بشر در سفرش به پاکستان ضمن بررسی مسائل حقوق بشری، عمده ترین صحبت هایش را قضیه هزاره ها شکل میداده است زیرا وضعیت هزاره ها نسبت به دیگر قضایا متفاوت و جدی تر می باشد. نقض جدی حقوق بشر، در سال ۱۹۹۸ پس از حمله طالبان به مزار شریف



فشرده ای از سخنرانی خانم لوسی

در افغانستان و پاکستان جریان دارد. گروه ما برای تحلیل نمودن وضعیت هزاره ها و لابی گری برای آنان با شیوه های دموکراتیک تاسیس گردیده است. فعالیت های ما تا کنون در محدوده های ذیل صورت گرفته است:

۱: در انگلیستان و پارلمان اروپایی.

۲: در UN.

۱: در حکومت انگلستان

طوری که قبلاً ذکر نمودیم در حال حاضر ما از طرف سفارت پاکستان بخاطر صحبت و گفتگو دعوت شدیم و با مقامات بلند پایه آنها در باره ی کشتار هزاره ها در کوئته دیدار و گفتگو داشتیم، قبل از تاسیس این گروه ما را تا تحویل نمی گرفتند، و دیدار با صدراعظم هم داشتیم و همچنان ملاقات با مقامات بلند پایه آن، که باز هم در باره ی کشتار هزاره ها در کوئته بود. و اخیراً ما دو دوسیه تهیه و به مقامات مسئول آن فرستادیم. زیرا این معضل یک موضوع جهان گیر است ولی بخاطر کمبود وقت بر عمق آن نمی پردازم. تا کید صورت گرفته است تا موضوع خشونت ها که علیه هزاره ها در افغانستان و پاکستان صورت میگیرد باید از آن جلوگیری صورت بگیرد. با تاسیس این گروه در انگلستان که در راس کشورهای WORLD Common (جامعه جهانی) قرار دارد، امیدواریم ایجاد چنین گروه های خود جوش به کشور های دیگر نیز سرایت کند. امیدواریم با مقامات بلند پایه ی استرالیا نیز بخاطری جلب توجه شان به این موضوع ملاقات داشته باشیم. از یک سال به این طرف در صدد جمع آوری شواهد در ارتباط به خشونت های که در افغانستان و پاکستان صورت میگیرد هستیم و از یک ماه به این طرف ما جلسه ای را در نظر داریم که همراهی صدراعظم انگلستان داشته باشیم و در آن از خشونت علیه هزاره ها در افغانستان و پاکستان سوال داشته باشیم

در افغانستان ما استراتژی خود را به دو بخش تقسیم نموده ایم:

۱: به خاطر امنیت.

۲: به خاطر ترقی.

به خاطر امنیت یک کنفرانس در ماه جنوری ۲۰۱۴ در باره امنیت و توجه به موضوعات دیگر و همچنان بخاطر حل نمودن معضل کوچیها که وعده داده شده اما مدت زمان زیادی میشود که انجام نشده است و همچنان بخاطر امنیت شاهراها که مردم هزاره همه روزه در آن اختطاف و کشته میشوند. به خاطر ترقی در این زمینه بسیار کم کمک صورت گرفته است مردم هزاره به مشکل آب آشامیدنی صحتی اقدامات طبی نیازمندند.

کار ها برای آینده:

در ماه سپتمبر یک جلسه در ویلز خواهیم داشت.

و امیدارم آمدن به اینجا یک تفکر برای شما ایجاد کرده باشد تا یک گروه بسازید و من بسیار خرسند خواهم بود تا هرگونه معلومات که خواسته باشید برای شما ارایه کنم.

و همچنان آرزو مندم که به کشور های همچون ناروی و دنمارک هم جلسه داشته باشیم. و فکر میکنم گروه ها اگر با هم یکجا شود نتیجه بهتر خواهیم داشت.

ایجاد زمینه تبادل نظر میان برخی از مجموعه های فعال مدنی در قبال تامین حقوق بشری هزاره ها در سطح بین المللی یکی از اهداف سمینار «حقوق بشر برای هزاره ها» بود (هالند - شهر لاهه - ۲۶ می ۲۰۱۴) و بدین منظور برخی فعالان از همین مجموعه های مدنی، دعوت صورت گرفت تا برداشت ها، تجارب و فعالیت های خویش را در این زمینه شریک نموده تا راهکارهای هم آهنگ سازی فعالیت های شان را جستجو نمایند.

ما بر این باوریم در جامعه ای که شهروندان آن درجه بندی شوند و حقوق اولیه انسانها به بهانه های قومی، مذهبی، سمتی و... آشکارا نقض شوند پروسه ی دموکراتیزه شدن و عدالت امر دست نیافتنی خواهد شد. نزدیک به ۴۰ سال جنگ و خشونت با پیامدهای تاسف بار آن به ما آموخته است که خشونت، ستیزه جویی و نفی دیگران عملاً راه به جایی نمی برد و خشونت، خشونت را به دنبال دارد. بر این اساس برای دسترسی به حقوق مدنی و حقوق بشری، تلاش ها و فعالیت های مدنی موثرترین راه حل به نظر می رسد. افراد و گروه های فعال مدنی، خود جوش و مردمی در تلاش است تا به طرح مسائل، خواسته ها و دغدغه های خود - که برخاسته از واقعیت های اجتماع امروزی افغانستان است، پرداخته و به جستجوی راه حل های انسانی و مدنی برای آنها باشند.

خانم لوسی ولدند، سکنتر جنرال گروه دوستان هزاره، فعال در پارلمان، حکومت و جامعه مدنی بریتانیا، یکی از سخنرانانی این سمینار بود. فشرده ی برگردان از سخنرانی خانم لوسی ولدند تقدیم شما می داریم

(مجله ی اورال)

سلام بر همه دوستان:

قبل از همه میخواهم از برگزار کننده گان برنامه ی امروز در اینجا تشکر کنم؛ از انگلستان آمده ام تا در رابطه با کار های خویش با شما صحبت داشته باشم.

من یکی از اعضای سازمان بنام friends of hazara (دوستان هزاره) که در سال ۲۰۱۱ تأسیس شده است، می باشم. در سال ۲۰۱۲ یک کنفرانس با صدراعظم انگلستان و نماینده هزاره ها در لندن داشتیم. بنظرم بسیار مفید خواهد بود تا گروه هزاره های هالند؛ ارتباطی با پارلمان دموکراتیک هالند، همانند انگلستان داشته باشند.

من فکر میکنم که گروه دوستان هزاره ها در پارتی پارلمان لندن زمینه آن را مساعد نموده اند تا درها به روی آنها باز گردد تا صدای آنها به نقاط مختلف برسد. قبل از شکل گیری این گروه تظاهرات های زیادی در مقابل سفارت پاکستان در لندن انجام داده بودیم من شخصاً ساعت ها در مقابل دروازه آن ایستاده بودم. اما حتی مسئولین سفارت حاضر نمی شدند تا صحبت های ما را بشنوند. اما پس از تاسیس این گروه به خواسته های ما جواب مثبت گفتند و حتی باعث شد که ما را دعوت کنند و همه چیز به شکل بهتر صورت گیرد.

انتظارات این گروه غیر سیاسی بوده و مقصد آن فقط رابطه دوستانه میباشد و بخاطر حقوق بشر برای هزاره ها میباشد. بخصوص هزاره های افغانستان و پاکستان و دیگر این که آشکار است؛ خشونت علیه هزاره ها

گفتگو با حاجی عنایت علیزاده؛

مسئول وهماهنگ کننده سمینار حقوق بشر برای هزاره

۳- نظر تان در مورد موضوعات و مباحث مطرح شده در سمینار چیست؟

جواب: همانطوریکه در پاسخ به سوال اول تان ذکر کردم، امیدوارم که بالاخره همچو قدم های برداشته شده است. صحبت ها و سخنرانی های خوبی صورت گرفت. مسئول کمیسیون روابط خارجی پارلمان هالند و سخنگوی پارلمان اروپا، طی صحبت خویش وعده نمود که صحبت های مطرح شده سمینار را در پارلمان هالند و اروپا مطرح کنند و وزیر خارجه هالند را از مجرای پارلمان موظف بسازند تا در هر فرصت به مقامات پاکستانی تذکر بدهند که چشم پوشی از قتل عام انسان های بیگناه در کوئته پاکستان قابل دوام و قبول نیست بنابراین باید هرچه عاجل خاتمه یابد. همینطور وضعیت پناهجویان و گزارش رسمی وزرات خارجه هالند که هر دو سال در رابطه به اوضاع افغانستان مورد بررسی قرار گرفت. و صحبت های بسیار خوب و جدی دیگری نیز صورت گرفت که امیدوارم در ماهنامه اورال چاپ و نشر گردد زیرا بخاطر کثرت آن موضوعات امکان ذکر بیشتر آن در این مصاحبه ممکن نیست. یکی از نکاتی مفید دیگر آشنایی و هم آهنگی بین اقدامات پارلمان هالند و برخی نماینده گان پارلمان انگلیستان و همکاری آنها بود که در همین راستا در لندن فعالیت دارند و خانم لوسی ولدند نماینده گی از همان مجموعه حضور بهم رسانیده و تجربیات خویش را در سمینار شریک ساختند.

۴- چه اهدافی از برگزاری این سمینار داشتید و چقدر به اهدافتان رسیدید؟

جواب: اهداف سمینار را میتوان به سه دسته تقسیم نمودن، فوری، میان

مدت و دراز مدت

الف- اهداف فوری برگزاری موفقانه، تشویق شخصیت های مدنظر برای حضور در سمینار، رسانیدن پیام مورد نظر و انعکاس آن. اگر گزارش سمینار، حضور شخصیت های حاضر و متن سخنرانی ها را ملاحظه و مطالعه کنید، با جرات می توان گفت که اهداف فوری سمینار کاملا بدست آمده است.

ب: بخشی از اهداف سمینار میان مدت است که هرگاه به سخنرانی ها و تعهدات سخنرانان منجمله سخنانی سخنگوی پارلمان اروپا و مسئول کمیسیون روابط خارجه پارلمان، حضور مسئول وزارت خارجه هالند در بخش افغانستان و پاکستان، شخصیت های حقوق بشری و انعکاس

در مورد برگزاری موفقانه سمینار تخصصی حقوق بشر برای هزاره ها در شهر لاهه کشور هالند گفتگویی داریم با مسئول و هماهنگ کننده این سمینار، محترم حاج عنایت علیزاده در ابتداء ماهنامه اورال برگزاری موفقانه این سمینار حقوق بشری را به شما و همکارانتان تبریک میگویم.

۱- حقوق بشر یکی موضوعات بسیار مهم دنیای امروزی ماست که متأسفانه افغانها در خارج از کشور کمتر به بدان توجه مینمایند؛ چطور شد این موضوع را انتخاب کردید؟

جواب: رژیم های ظالمانه و جنگ های مداوم و پیهم مردم و کشور افغانستان را صدمات عمیقی رسانیده است. میلیون ها کشته، زخمی، قتل عام، شکنجه، کوچ اجباری و ده ها معضلی عمده ای دیگر که تا هنوز روزانه از مردم مظلوم این کشور قربانی میگردد. بالاخره اینهمه فجایع و مشکلات باید اختتام یابد؛ اما چگونه؟ بنظرم بهترین اختتام بر همه نابسامانی های کنونی و تاریخی ترویج ارزش های حقوق بشری و نهادینه ساختن این شیوه ارزشمند در کشور است. بنابراین این سمینار نیز تلاشی برای نزدیک شدن مردم و کشور افغانستان به این ارزشهای موثر و پذیرفته شده در جامعه جهانی، که نقطه مشترک آن انسان است با حقوق مساوی و تامین عدالت اجتماعی. در ضمن احترام و یادآوری سبز از خون میلیون های انسان بیگناه و بقیه قربانیانی که با نهادینه شدن ارزش های حقوق بشری و جامعه عدالت محور تامین می گردد.

۲- در مورد اقدامات و برنامه ریزیهایی که منجر به برگزاری این سمینار شد توضیح دهید؟

جواب: البته، اعتصاب غذایی سال گذشته در جلوه پارلمان هالند، پس از شهید و زخمی شدن تقریباً دوصد انسان بیگناه در کوئته پاکستان، و مذاکراتی که پس از آن با نماینده گان پارلمان هالند، شخصیت های حقوق بشری و فعالین جامعه مدنی داشتیم. در نتیجه پارلمان، وزارت خارجه و سفیر حقوق بشر از مجرای رابطه مستقیم هالند پاکستان و همچنین نهادهای اتحادیه اروپا و پاکستان صورت گرفته است که این سمینار نیز در سلسله همان تلاش ها و مذاکرت برای بهبود وضعیت حقوق بشری در افغانستان و پاکستان صورت پذیرفته است.



کدام گوشه های از وضعیت و نابسامانی را آشکار و مشخص نموده است و هر کدام بشکلی دارای پیام مشخص خودش است که در نهایت بر ضرورت توجه جدی به وضعیت حقوق بشردر افغانستان و پاکستان تاکید میدارند.

در ضمن پیام به کسانی که حقوق بشر را نقض نموده و یا نیت رعایت آنرا ندارند، باید متوجه باشند که وضعیت تغییر نموده است. همواره ناقضان حقوق بشر در این دو کشور بدون توجه و دغدغه خاص، حقوق اولیه انسان ها به بهانه های قومی و مذهبی ولسانی نقض کرده است و هیچگونه عواقبی را برای ناقضان در بر نداشته است؛ باید بدانند و توجه داشته باشند که شرایط تغییر نموده است. دیگر نقض حقوق بشر در افغانستان و پاکستان، همچو خیلی از کشورهای دیگر بدون هزینه و پیگیری نخواهد بود.

پیام این سمینار به کسانی که حقوق انسانی آنها نقض می گردد، نوید دهنده آینده های خوب و بهتر است و آنانرا تشویق میدارد تا با انگیزه بیشتر و جدی تر نسبت به گذشته صدای خویشترا بلند نمایند، سکوت را بشکنند و بدانند که هیچ تلاش و جد و جهدی در راستای بهبود حقوق بشر حتی در افغانستان و پاکستان بی فایده و خالی از صواب نیست.

در اخیر میخواهیم از شما آقای صادقی و تمام اهالی ماهنامه اورال تشکری نمایم که ضرورت این مصاحبه را لازم دیده اید. صادقی: تشکر از اینکه در مصاحبه ما شرکت نمودید.

پایان

محتویات سمینار در مجامع سیاسی و حقوق بشری هالند و بشکلی در کابل و لندن و همینطور مکتب بحث های جاری روی موضوعات مطرح شده؛ جای خوشبینی بسیار است که این اهداف نیز در حد قابل ملاحظه تامین گردد.

ت: اهداف دراز مدت سمینار که کمک به نهادینه شدن ارزش های حقوق بشری در افغانستان و پاکستان است. انجائیکه در جهان امروزی تامین حقوق بشر و نهادینه شدن ارزش های حقوق بشری یگانه راه رسیدن به وضعیت مطلوب در افغانستان است و این سمینار با چنین ظرفیت و کیفیت که دایر گردیده است و در نوع خویش تاکنون برای بهبود وضعیت حقوق بشر در افغانستان همچو سمیناری دایر نگردیده است. بنابراین رسیدن به اهداف دراز مدت این سمینار در حد قابل قبولی متصور است.

۵- جمع بندی و نتیجه گیری از این سمینار حقوق بشری چه می باشد؟

جواب: سمیناری مهمی بود، در راستای بهبود وضعیت حقوق بشر در افغانستان و پاکستان و با کیفیت و ظرفیت بسیار عالی دایر گردید و همینطور جلب توجه نهاد ها و شخصیت های سیاسی، حقوق بشری و جامعه بشر دوست کشورمیزبان در ارتباط با ضرورت مطرح شدن موضوعات حقوق بشری در خصوص افغانستان و پاکستان.

۶ پیام مشخص این سمینار چه بود؟

جواب: صحبت های مطرح شده در سمیناری شمرده شده دقیق و هر

سمینار حقوق بشر برای هزاره ها در شهر لاهه هاند

سپس ارتباط اینترنتی، خانم فاطمه عاطف، فعال حقوق بشر از اسلام آباد پاکستان منتشر گردید و ایشان در مورد وضعیت هزاره ها در پاکستان و تهدیدات و مخاطرات موجود آنان صحبت نمود. از تهدیدات و خطرات بالفعل در برابر هزاره ها خصوصاً در کوئته بلوچستان یادآوری کرده و خواستار توجه جامعه جهانی و مدنی به این اوضاع و احوال شد.

آنگاه محترم دکتر طاهر شاران فعال اجتماعی و پژوهشگر فیزیک هسته ای از آلمان درباره نگرانیها از وضعیت هزاره ها بعد از سال ۲۰۱۴ و پس از خروج نیروهای ناتو از افغانستان صحبت نمود.

وی افزود باوجود سهم گیری هزاره ها در ساختار دموکراسی نوپا در افغانستان، اما مقامات عالی دولتی منتسب به هزاره حضور سمبولیک و کم تأثیر داشته اند.

بر اساس اجلاس بن در سال ۲۰۰۱ با پیش بینی ملل متحد حضور هزاره ها ۱۹ درصد بیان گردید ولی عملاً در این سالها کارمندان هزاره در دولت فقط ۴ تا ۳ درصد را تشکیل می دهند.

وی با برشمردن بیعدالتی ها نسبت به مردم هزاره خواستار رفع این ستم شد.

در ادامه سمینار خانم انا ماریتا؛ فعال حقوق بشر از کشور هالند گزارش وزارت امور خارجه هالند که در سال ۲۰۱۳ نشر گردیده بود را به بررسی گرفت.

وی خواستار دقت و توجه بیشتر در گزارشات آتی وزارت امور خارجه هالند نسبت به افغانستان و خصوصاً مشکلات هزاره ها شد.

وی نظر به اسناد تاریخی و تحقیقات افغانستان شناسان سرشناس در غرب، در کنار قتل عام های افشار، یکولنگ و مزارشریف، معضل کوچی و ده نشینان هزاره را دارای ریشه های تاریخی و یکی از علت های اصلی بیجا شدن هزاره ها از مناطق سکونت شان طی صدسال گذشته دانست.

سپس محترم هاری فن بومل نماینده پارلمان، رییس کمیسیون روابط خارجی پارلمان هالند و نماینده پارلمان اروپا به ایراد سخن پرداخت. وی گفت قبلاً هم با مشکلات هزاره ها آشنایی داشته و صحبت های امروز را هم شنیدیم و در نظر دارم تا با وزیر امور خارجه هالند این مسایل را در جریان بگذارم و خواستار پیگیری این قضایا از سوی آن وزارت شویم.

در همکاری با اعضای کمیسیون روابط خارجی پارلمان، از وزارت امور خارجه درباره موضوعات بیان شده ی آتی و قبلی در مورد هزاره ها خواستار توضیحات خواهیم شد.

در اخیر خانم لوسی؛ فعال حقوق بشر و عضو گروه ارتباط پارلمانی بریتانیا با هزاره ها (Hazara party parlement) از کشور بریتانیا سخنرانی نمود. وی در مورد تجارب تشکیل «گروه ارتباط پارلمانی بریتانیا با هزاره ها» سخن گفت و تأکید کرد با این کار در بریتانیا دروازه های جدیدی برای هزاره ها گشوده شد و ظرفیت های بیشتری پدیدار گردید.

وی ابراز امیدواری کرد تا اینگونه گروه های ارتباط پارلمانی نیز در دیگر کشورهای اروپایی تأسیس شود.

در اخیر محترم حاجی عنایت علی زاده به زبان دری، صحبت های مطرح شده ای سخنرانان را جمع بندی نموده از حضور و مشارک همه ای شرکت کنندگان ابراز سپاس و قدر دانی نمود.

این سمینار در یکی از سالن های کنفرانس پارلمان کشور هالند در شهر لاهه - مقر دادگاه بین المللی رسیدگی به جرایم علیه بشریت - روز ۲۶ می ۲۰۱۴ تدویر یافت. این جلسه پر محتوا با اشتراک مهمانان عالی مقام از چند کشور اروپایی، شخصیت های فرهنگی و اجتماعی، سیاسی، فعالان حقوق بشری و ژورنالیستان تشکیل یافت.

از جمله شرکت کنندگان؛ مسئول بخش افغانستان و پاکستان در وزارت امور خارجه هالند، فعالان جامعه مدنی، زنان و جوانان بودند.

در ابتداء فعال فرهنگی ونویسنده؛ محترم عیسی زرگری از کشور شاهی بلژیک مقاله تحلیلی خویش را به زبان هالندی، با موضوع مشکلات پناه جویان هزاره در ترکیه، ایران و کشورهای اروپایی قرائت نمود.

وی در بخشی از مقاله اش بیان داشت: پناه جویان هزاره بنابر مشکلات عدیده ای ناچار به ترک کشور میشوند، متأسفانه در بسیاری از کشورها، با چالشها و گرفتاریهای درداور روبرو هستند.

در ایران همواره شماری از پناه جویان هزاره قربانی و مورد تهدید و آزار و اذیت و تجاوز قرار می گیرند و از اصولی ترین حقوق انسانی محروم می گردند.

در ترکیه با وجود وضعیت ناپایمان پناه گزینان افغانستان و بی توجهی نهادهای بین المللی خصوصاً کمیشنری عالی پناهندگان سازمان ملل متحد (UNHCR) و خشونت پالیس ترکیه بر مشکلات افزوده است. با وجود مشکلات فراوان بعضاً دیپورت نیز از کشورهای اروپایی صورت می گیرد.

سپس شاعر و فعال اجتماعی مقیم کشور ناروی محترم بازل نیکوبین به زبان انگلیسی، در موضوع تجارب عینی خویش در مورد مشکلات و تنگناها و جنایات دوامدار تاریخی در حق مردم هزاره صحبت نمود.

ایشان از تجربه سفر شخصی خود به داخل افغانستان یاد کرد. وی افزود به چشم سر شاهد تحقیر و توهین و بازخواست اشخاص صرف به عنوان هزاره بودن بوده است. وی با برشمردن نسل کشی های مکرر هزاره ها در طول تاریخ گذشته و معاصر، این نسل کشی ها را همدریف جنایات انجام گرفته در هولوکاست و رواندا تعبیر کرد. واز نهادهای مدافع حقوق بشر و رسیدگی به جنایات علیه بشریت خواستار توجه بیشتر در این زمینه شد.

سپس هماهنگ کننده و مسئول برگزاری سمینار محترم عنایت علیزاده به زبان هالندی، در موضوع غیر عادلانه بودن تقسیم واحدهای اداری افغانستان و وضعیت نامتوازن انکشاف و بازسازی در مناطق مرکزی، بیابانه خویش را ایراد نمود.

در طی سیزده سال گذشته هزاره ها برای اصلاح تقسیمات ناعادلانه واحدهای اداری تلاشهای فراوان نمودند، باوجود پیگیریهای مضاعف فقط دایکندی تبدیل به ولایت گردید. حتی بودجه لازم برای انکشاف مناطق مرکزی تخصیص داده نشد. شاهراههای مواصلاتی به مناطق مرکزی و ادامه کار آن متوقف گردیده است، بطور مثال شاهراه کابل - بامیان و یا شاهراه پروان - بامیان و شاهراه شمال با مناطق مرکزی. همین طور طرح احداث جاده کابل - هرات از مسیر مناطق مرکزی (جاده گردن دیوار) با گذشت شصت سال هنوز اجرایی نگردیده است. آقای علیزاده در ادامه صحبت های خویش، درباره وضعیت فعلی هزاره ها در پاکستان و افغانستان نیزسخن گفت.

hun verhalen en ben getuige van hun diepgewortelde angst 22

voor terugkeer, van hun flashbacks, van hun nachtmerries en slapeloosheid en van hun dagelijks gevecht om de stress en de martelgang van het wachten en een leven zonder perspectief het hoofd te bieden. Ik ben getuige van hun zwijgzaamheid, wat het zwijgen is van een onderdrukt volk.

Het ambtsbericht is één van de meest essentiële onderdelen in de besluitvorming van asiel voor een vluchteling. Dat de landsinformatie objectief, onpartijdig,

en volledig moet zijn staat buiten kijf.

De aanhoudende kritiek van advocaten, mensenrechtenorganisaties, vluchtelingen die hun situatie niet in dit verslag herkennen en dit kleine onderzoek geven aan dat buitenlandse zaken op dit punt faalt.

Van objectieve beoordeling is in het ambtsbericht geen sprake en kan ook niet verwacht worden van een ministerie dat ook tegengestelde belangen heeft.

Mede op grond hiervan is het debat over een 'rechtvaardig en humaan' asielbeleid' irrationeel en zou herzien moeten worden.

Dat vraagt om blijven doorhameren op wat nu nog een utopie lijkt, namelijk het werkelijk respecteren van de internationale verdragen en mensenrechten, zonder je af

te vragen of dit wel 'politiek haalbaar' is.

Dank u wel. 23

Denise Phillips, why Hazaras flee Maley cautions against 'tokenism', arguing that the inclusion of Hazaras within government has not brought about real changes.²³ History shows that the 1980s'

reforms which delivered greater equity for Hazaras did not stop the bloodshed which followed in the 1990s and beyond. That this is the sixth constitution since 1923 also

exemplifies the fragility of Afghani reforms. Safety for minority groups requires broad social changes to address deeply-rooted tribal, religious and ethnic prejudices – this

is something that will take years. The possibility of a Taliban alliance with international support, set against the draw-down of troops, causes terror among many Hazaras.²⁴

²³ William Maley, Radio interview conducted by Geraldine

Doogue, 'Afghan Hazara', Breakfast, ABC Radio Na-

tional, 13 April 2010, [http://www.abc.net.au/radionational/programs/breakfast/afghan-](http://www.abc.net.au/radionational/programs/breakfast/afghan-hazara/3039616)

hazara/3039616, accessed 16 June 2010; Una Moore, 'UN

human rights rep in Kabul calls for repeal of war crimes

amnesty', UN Dispatch, 30 March 2010,

[http://www.undispatch.com/un-human-rights-](http://www.undispatch.com/un-human-rights-rep-in-kabul-calls-) rep-

in-kabul-calls-for-repeal-of-war-crimes-amnesty, accessed 11 June 2010;

Department of Defense, Progress Toward Security and Stability

in Afghanistan, p. 11; Shahm Mahmood Miakhel, 'Understanding

Afghanistan: The importance of tribal culture and structure in

security and governance', US Institute of Peace, November

2009, p. 1.

²⁴ Sonya Hepinstall, 'Holbrooke: Reformed Taliban in Afghan

government not wrong', Thomson Reuters, 6 June 2010,

<http://in.reuters.com/article/2010/06/07/idINIndia-49088220100607>, accessed 18 June 2010.

²⁵ Anonymous Hazara refugee, 29 June 2012.

Why hazaras flee D phillips

3) Hazaras tell me they want peace and human rights in their

homeland – only then will they stop fleeing.

Hazaras have

witnessed the brutal deaths of their family

members, including fathers, mothers, siblings

and children. Flight is accompanied by

intense grief, trauma and longing. Waiting

years for family ²⁴

reunions will drive loved ones to get on boats.

Those left behind in Afghanistan not

only face destitution, but are also often brutally

targeted by warlords who learn that their husband,

son or brother

has fled to a Western country. In a recent case, the

intimidation of a young Hazara refugee's

family members left in Jaghori resulted

in an attack on the family home, killing an eight-

month-old baby. I have witnessed refugees' debili-

tating distress as they wait years

for family reunions.

ambtsbericht werd Shakila dood geschoten in het huis van Sayed Beheshti voor wie zij werkte: een man met een hoge positie in de provinciale staat Bamyan. Shakila is vermoord in het huis terwijl Sayed Beheshti in het huis aanwezig was. Beheshti verklaarde dat hij niets heeft gehoord omdat hij aan het bidden was. Zijn neef was in de tuin om zich te reinigen voor het bidden. Eerst claimde Beheshti dat Shakila zelfmoord zou hebben gepleegd maar na onderzoek bleek dit onmogelijk. Medisch onderzoek wees uit dat Shakila is verkracht. Om druk uit te oefenen op de familie dreigde Beheshti - gesteund door Sayed rechters, leden van justitie en zijn broer 20

Fakori in het Parlement- om de zwager Qorban te beschuldigen van de moord. Dan koopt hij de familie om met 350 Afghani om hen het zwijgen op te leggen en belooft vrijspraak voor Qorban. Tot op heden is Beheshti niet veroordeeld en loopt hij vrij rond.

Er is zoveel ophef over de zaak geweest in de media, dat dit de internationale gemeenschap niet kan zijn ontgaan: De moord op Shakila zette aan tot grote protesten van burgers en mensenrechten organisaties tegen onrecht en de corruptie binnen Justitie. De gouverneur van Bamyan Habiba Sarabi constateerde dat de overheidsorganen weigerde om verder onderzoek te doen naar Beheshti. Het is vrijwel onmogelijk dat BuZa deze zaak is ontgaan. Toch heeft het er voor gekozen de zaak niet te vermelden en in plaats daarvan ongefundeerd verslag te waarbij sprake is van eenzijdige beeldvorming. In het ambtsbericht 2013 maakt BuZa het nog bonter: hierin wordt juist de enige zin die wel uit de bron te herleiden is, namelijk dat Sadaat families hun dochters niet willen laten

trouwen met Hazara mannen, weggelaten- hierdoor wordt gesuggereerd dat Hazara's redeloos geweld plegen tegen de Sadaat en komen er zo nog bekaaid van af in de beeldvorming. Ik kan er niet onderuit dat de passage over Sayed en Hazara, zonder degelijke bronvermelding, in het jaar van de grote ophef rond de verkrachting en moord op Shakila door een Sayed met invloedrijke betrekkingen, precies om die reden uit de lucht is komen vallen.

21

Slot conclusie:

De informatie over het Kuchie-Hazara conflict in het ambtsbericht is misleidend. Het is een hardnekkige ontkenning van het sectarisch en ethnisch gemotiveerd geweld tegen Hazaras.

Door het rapport van Maley hierover te diskwalificeren, geeft BuZa de indruk dat er andere belangen meespelen dan alleen het optekenen van de landen informatie.

Het ambtsbericht is onzorgvuldig en selectief in het aantekenen van feiten uit de bronnen, zoals de moorden en ontheemden ten gevolge van het Kuchie conflict, en de aanvallen op burgers op de wegen. Het bagataliseert de mate van discriminatie van Hazaras in Afghanistan.

Door de passage over de Sadaat wordt de indruk gewekt dat BuZa samenwerkt met bevooroordeelde individuen met een anti-Hazara sentiment van de Afghaanse overheid of anderszins.

Buza zou zich strikt moeten houden aan het optekenen van de feiten, zonder relativerende zinnen aan het eind van de ellendige waarheid.

Ik sta hier, in het belang van de Hazara vluchtelingen die geen asiel kregen van de Nederlandse staat. Ik ken

Een leek denkt nu: nou, dan is de discriminatie tenminste gelijk verdeeld; iedereen discrimineert elkaar.

Kijken we naar de bron bij dit stuk, een rapport van Antonio Giustiozzi, dan lezen we op P.10 [...] dat: zwakke re-crutering etnische frictie veroorzaakt wat mogelijk negatieve gevolgen heeft op de geïsoleerde Hazara gemeenschappen “ Dit is een verdraaiing van de bron dat een verkeerd beeld schept. De International Crisis Group laat nauwkeurige cijfers zien van de ethnische verhoudingen binnen de ANA: 42.6% Pashtun; 40.98% Tajik, en 7.68% Hazaras. (2010) De cijfers worden geciteerd in een rapport van de civil-military fusion centre uit 2011 dat BuZa heeft geraadpleegt. (“afghan ethnic groups”) De passage over het Noorden wekt de suggestie dat dit ook over conflict tussen Hazaras en Pashtuns gaat: maar volgens de zelfde bron van Giustozzi gaat het hier om Pashtuns en Tadj ieken

18

6. De Sayed komt uit de lucht vallen. Het laatste wat ik met u wil delen is een passage in het ambtsbericht over de relatie tussen Sayed en Hazara’s. De Sadaat is een bevolkingsgroep van Arabische afkomst die zich sinds de 15e eeuw in Afghanistan vestigde en noemen zich rechtstreekse afstammelingen van de profeet Mohammed, waardoor zij van oudsher machtige posities bekleedde. In het verleden traden zij ook wel op als beschermheer voor de Hazaras, aldus het Ambtsbericht. Het is opmerkelijk dat het ambtsbericht besluit het hi-erover te hebben; dat hebben zij namelijk nog nooit eerder gedaan. Maar de verklaring hiervoor geef ik u zo meteen. Het ambtsbericht stelt (op p67: [...]) ‘sommige Sadaat (meervoud van Sayed) families hun dochters niet wilden laten

trouwen met een Hazara-man. In de afgelopen decennia ontstond politieke weerstand bij een nieuwe generatie Hazara’s tegen het Sadaat leiderschap in de Hazarajat, het leefgebied van de Hazaras. Deze weerstand leidde tot gewelddadigheden als ontvoering van Sadaat dochters en gedwongen huwelijk met Hazara mannen. Ook uitten ze hun weerstand op soms discriminerende wijze via media of internet [...]. Dat is nogal een beschuldiging aan het adres van Hazara’s. Naast de vraag in hoeverre er sprake kan zijn van discriminatie door een eeuw lang zelf gediscrimineerd en gemarginaliseerd volk tegen een tot op heden onderdrukkend volk, is de vraag weer waar het Ambtsbericht deze informatie vandaan haalt: Ik citeer de bron 316: het human rights report Afghanistan van US department of States over 2011: Hierin staat dat de familie van een Sayed vrouw haar heeft verhindert om met een Hazara man te trouwen en haar 19

gedwongen naar Kabul te vluchten, in angst voor haar leven in mei. Ondanks aanhoudende druk van de Afghan International HR Commission, de gouverneur van Bamyán, burgers uit de gemeenschap en de internationale gemeenschap op de familie en op het lokale bestuur, om het stel te laten trouwen.

Dit is alles wat er over de zaak Sayed-Hazara is terug te vinden in de bron. Niets over gedwongen huwelijken niets over discriminerende uitlatingen op internet. De vraag is hoe de samenstellers van het ambtsbericht er bij komen om ongefundeert deze gossip te verspreiden? Melissa Chiovenda vraagt zich af waarom in deze passage de moord op Shakila, een 16-jarig Hazara meisje, door een Sayed in Bamyán, niet wordt genoemd:

In januari 2012, tijdens de verslag periode van het



als schoonmakers of in de keuken. Er is misschien 1 Hazara op 60 werknemers.”

4. De Highway to Hell of the road of death:

Over de onveiligheid op de wegen en speciaal de Kabul-Kandahar highway die door Ghazni en de Hazarajat leidt, zegt het ambtsbericht niet meer dan dit: P 40: ‘OP de Kabul-Kandahar weg zijn regelmatig aanvallen tegen de internationale troepenmacht en konvooien van het ANA. ‘

(Anso quarterly data report Q4 2011)

Een greep uit de media berichten over ‘the highway to hell’ zoals de weg sinds 2007 ook wel genoemd wordt:

Melissa Chiovenda waarschuwt in een artikel over de Kabul-Kandaharweg dat er een verschuiving plaatsvindt van moorden op overheids en NGO medewerkers naar gerichte aanvallen op Hazaras op de weg.

Op 3 Juli 2011 wordt het hoofd van de provinciale staat van Bamyān, (Jawad Zahak) op de weg ontvoerd en onthoofd door Hezb e islami militanten.

Daarna komt het geregeld voor dat Hazaras uit bussen worden gehaald en meegenomen door de Taliban, zich vrij moeten kopen of worden vermoord. (outlook Afghanistan)

16

De Hazara leiders in Kabul eiste naar aanleiding van deze trend in oktober 2012 voor meer veiligheid op de wegen en dat de weg naar Bamyān zou worden afgemaakt wat tot op heden niet is gebeurd.

Een greep uit de nieuwsberichten:

-De Daily Outlook Afghanistan bericht op 13 augustus 2012 dat

32 Hazara’s uit Bamyān in de laatste 6 maanden zijn gedood op de weg naar Kabul.

-Dat op 23 juli, 1 kilometer van een check post van de ANA, zes

Hazara’s zijn gedood en in stukken gesneden.

-Op 1 augustus werden vijf Hazara’s uit een auto getrokken, gemarteld, de ogen uitgestoken en onthoofd. Het Afghanistan Analysts Network vermeldt in “the road to ghazni, battle and blockades” dat: aanslagen op de weg vaak door onherkenbare personen worden gepleegd, jongeren bijvoorbeeld die een klusje doen voor de Taliban. En dat de meeste aanslagen niet worden gerapporteerd.

Het is een opvallende tekortkoming van Buitenlandse zaken om hier slechts militaire konvooien te noemen als slachtoffer van de aanslagen. Alle NGO’s zijn bekend met de burger-slachtoffers op de road of death.

Vermogende burgers vliegen tussen Kabul en het binnenland omdat ze weten van het gevaar op de wegen.

Het reisadvies van BuZa liegt er niet om:

“In het hele land wordt het reizen buiten de steden over de weg ten sterkste ontraden. Organisaties en personen die voor hun werk binnen Afghanistan moeten reizen wordt geadviseerd dit waar mogelijk per vliegtuig te doen.[...]

Hoe kan een departement zulk tegenstrijdige beleid voeren?

17

5. Suggestie en verdraaide bron:

Op P 65, ook betreft etnische groepen staat dat “zwakke recruitering door de Afghan National Security Force (ANSF) in het Zuiden zorgt voor een disproportioneel aandeel van Hazara’s en Tadjieken. Dit zorgt voor enige etnische spanning met de lokale Pashtun bevolking”.

Gelijk hierop volgt: In het Noorden van Aghanistan, waar Pashtuns een minderheid vormen, komt het voor dat zij buitengesloten worden of gediscrimineerd.’



Sji'ietisch ritueel tijdens de Ashura aan de universiteit van Kabul waarbij een Hazara student door Pashtun-studenten werd gedood door hem van het dak af te gooien en een tientallen studenten gewond raakten.

Conclusie:
Men kan een vergelijking maken met sectarisch geweld jegens Sji'ieten in Iran of Pakistan, maar dat is een valse vergelijking; die niet opgaat als deze wordt gedaan met een land waarin geen sprake is van sectarisch of etnisch geweld.

We hebben net gezien hoe BuZa de jaarlijks terugkerende Kuchie aanvallen bagataliseerd tot simpele 'landsconflicten' dat kan, door vitale informatie uit de bronnen weg te laten.

Het feit dat het conflict juist voortkomt uit een lange historie van sectarisch en etnisch geweld tegen Hazaras en dat dit geweld zich onophoudelijk voortzet komt hierdoor niet aan het licht.

Het Ambtsbericht volgt kennelijk de politieke lijn van de regering Karzai.

3. Hazaras "kunnen mogelijk gediscrimineerd worden"

Ook betreft discriminatie stelt het Ambtsbericht zich zeer terughoudend op. Het stelt dat er sprake kan zijn van discriminatie of dat 'er mogelijk sprake is van discriminatie of 14

dat "discriminerende en tussen haakjes (gewelddadige) incidenten evenwel nog kunnen voorkomen.'

Het schrijft dat er "meldingen waren van Hazaras bij die bij checkpoints smeergeld moesten betalen waar Pashtuns ongemoeid hun weg konden volgen."

Dit wordt ook in de geraadpleegde bron, de US department of state genoemd. (Human rights report Afghanistan 2011, p43) maar in 1 zin met het volgende wat in het ambtsbericht is weggelaten:

'Sociale discriminatie tegen Sji'itische Hazaras zet zich voort

langs klasse, ras, en religieuze lijnen in de vorm van illegale afpersing van geld, gedwongen recruitering en gedwongen arbeid, fysiek misbruik en detentie.

En vervolgens:
In de provincie Ghazni zijn naar verluidt Hazaras aangevallen door nomaden (de kuchies) die 27 Hazara dorpen hebben platgebrand.'

MC: niet alleen smeergeld, er is bewijs dat Hazaras die voor de overheid of NGO's werken meerdere keren uit auto's zijn gehaald, ontvoerd of gedood zijn. Recent zijn Hazaras gedood op de Kabul-Bamyan highway alleen omdat ze Hazara zijn."

Over participatie van Hazaras in overheidsinstellingen zegt

MC: Ik heb met mijn eigen ogen organisaties in conflict gezien over of ze wel of geen Hazaras zouden inhuren. En er is een misverstand over de Sayeds: (een van oorsprong Arabische bevolkingsgroep die zich 'afstammelingen van Mohammed noemen') Hazaras en Sayeds zijn twee verschillende bevolkingsgroepen, maar als zij geteld worden voor parlement of overheidsposities, worden Sayed Hazaras genoemd. Op veel van de posities waarvan men zegt dat ze door Hazaras bekleed worden, zitten dus eigenlijk Sayed. Er zijn dus veel minder Hazaras in machtsposities dan wordt verondersteld.
15

En Schuster: "niet mogelijk, er IS sprake van discriminatie: Ik werk met Hazara's en ik heb Pashtun's en Tadjieken over hen horen praten als de 'no-noses,' gezien hoe ze behandeld worden als idioten (ondanks het succes van Hazara's in het onderwijs) en gepest om hun kleding en accent. Hoewel er zeker sprake is van ontwikkeling, noteer ik nog steeds in overheids instellingen en NGO's dat Hazara's er alleen werken



De jurisprudentie betreft geweld van Kuchies en op sectarisch/ethnische grond is op basis van dit Ambtsbericht gevormd rond deze opmerking van anonieme samenstellers van BuZa, waar duidelijk een jurist op heeft gezeten.

Maley's rapport, gefundeert op meer dan gedegen kennis en ervaring, die dus zijn carrière in de waagschaal legt als hij zou onzorgvuldig zou zijn, legt het af bij anonieme schrijvers van wie wij de merites niet kennen, en die zich niet op persoonlijke titel hoeven te verantwoorden.

De RvS stelde in 2013 vast dat in de vijf bronnen waarop het ambtsbericht zich baseert wel sprake is van sociale discriminatie en geweld tegen Hazaras in Afghanistan, maar vind niet dat er de conclusie getrokken wordt dat Hazaras vanwege hun etniciteit bijzondere risico's lopen. Volgens een aantal bronnen zijn de geweldadigheden met name te wijten aan conflicten over land met Kuchies of Pashtuns (wat hetzelfde is) of hun toegang tot overheidsbanen.

De RvS vernietigde hiermee een besluit van de rechtbank in Haarlem in 2012 en oordeelt dat BuZa in haar informatieverschaffing onpartijdig, objectief en inzichtelijk is geweest. BuZa bleek eerder de verkeerde bron te hebben aangevoerd.

In de rapporten die BuZa gebruikt voor dit stuk wordt sectarisch of ethnisch geweld tegen Hazaras idd niet expliciet genoemd.

Wel een persbericht over de onthoofding van 11 Hazaras in het Zuiden van Afghanistan waarin een politie officier stelt: 'dat dit 12

het werk is van de Taliban, ze zijn onthoofd omdat zij ethnische Hazaras zijn.' (-in een MRT van het Refugee Documentation Centre)

En volgens de 'people under Threat' index van de MRG, dat Afghanistan het land is waar gemeenschappen het

meest massamoord riskeren, in het bijzonder vanwege gerichte aanvallen op mensen om hun etniciteit en religie.

(Human rights report Afghanistan 2011 van de US department of state (p43)

En ook de bron van Newswatch National geographic vermeldt: (in "helping the hazaras in Afghanistan and Pakistan)

"Dat de MRG de Hazaras hebben geïdentificeerd als de meest bedreigde minderheidsgroep van Afghanistan."

En dat zij daarom de meeste angst hebben voor de vredes onderhandelingen met de Taliban waarbij mogelijk Mullah Mohammad Fazl wordt vrijgelaten, de man die verantwoordelijk is voor duizenden moorden op Hazaras tijdens de Genocide van de jaren '90.

Hoewel ook in de door BuZa gekozen bronnen voor dit stuk slechts summier, maar wel meer specifiek op geweld op sectarisch of ethnische grond wordt ingegaan, blijft de vraag waarom BuZa deze informatie dan niet heeft overgenomen.

Zowel Melissa Chioyenda als Liza Schuster stellen dat Maley's rapport correct is en serieus genomen zou moeten worden.

Chioyenda stelt: 13

ik ben het met hem eens. Ook over wat hij zegt over Kuchies: er is een diepe historische context waarin Hazaras land ontzegd is dat hen traditioneel toebehoorde en aan kuchies is gegeven om het proces van landonteigening verder te faciliteren.

Liza Schuster geeft als voorbeeld van sectarisch gemotiveerd geweld de rel die ontstond om het houden van een

Het ambtsbericht meent dat Conflicten in Afghanistan vaak etnisch lijken, maar er meestal iets anders achter schuilt, zoals machtsconflicten over land en water, of problemen van sociale aard' -overigens zonder bronvermelding. (p64)

- Melissa Chioyenda zegt hierop: Ja, maar de Hazaras, met duidelijk andere gelaatstreken, bovendien Sji'iten en altijd al gemarginaliseerd, is naar mijn mening de enige groep die lijdt op etnisch-religieuze grond. Natuurlijk zijn er complicerende factoren, maar dit is de wortel van de zaak. Anderen, zoals Tadjieken in Bamyan lijden ook, sinds Hazaras de macht terugnemen die lang geleden aan de Tadjieken was toebedeeld. En toch, Hazaras kunnen zich niet verschuilen, en leden van andere etnische groepen hebben mij heel duidelijk gemaakt dat zij Hazaras als minderwaardig aan hen beschouwde.”

Het Ambtsbericht meldt dat “De Hazara bevolking meer dan in het verleden vertegenwoordigd is in overheids-instituten. Hazara's lopen thans geen bijzondere risico's in Afghanistan op basis van etniciteit.” P66:

- Alessandro Monsutti zegt hierover: - Het is belangrijk te benadrukken dat de situatie van de Hazara's is verbeterd sinds de val van de Taliban, maar deze verbetering is zeer 10

fragiel. Het is zeer de vraag of de machtsbalans niet verschuift met de terugtrekking van de Nato in 2014. De positie van Hazaras is verbeterd dankzij hun eigen inzet in het onderwijs en onderlinge politieke samenwerking. Ik ben er absoluut niet zeker van dat deze vooruitgang door andere segmenten van de bevolking in Afghanistan wordt aanvaard.

En Liza Schuster, geeft het als commentaar op dit stuk: 'In provincies als Parwan (waar men doorheen moet reizen om van

Bamyan naar Kabul te komen) en Ghazni, lopen Hazara's juist grote risico's: Hazara reizigers zijn daar uit bussen geselecteerd, gemarteld, bestolen en in sommige gevallen vermoord. Ik was zelf getuige toen een familie in Kabul de melding binnenkreeg dat hun neef op deze weg gedood was.”

In zijn rapport 'on the position of Hazara Minority in Afghanistan 2011 legt Afghanistan expert William Maley vanuit historisch perspectief uit hoe de conflicten tussen Kuchies en Hazaras en de vervolging van Hazara's sinds de 'Hazara oorlogen' tijdens het regime van Abdul Rahman Kahn in elkaar steekt. Hij constateert dat Hazaras wel degelijk doelwit zijn op basis van hun religie en etniciteit en dat er geen reden is om aan te nemen dat de onderliggende factoren van vijandigheid richting de Hazaras zijn verdwenen.

Het Ambtsbericht zegt in een voetnoot dat Maley het niet eens is met de stelling dat er geen sprake is van sectarisch geweld tegen Hazaras en de wijze waarop het Kuchie-Hazara probleem wordt voorgesteld. Maley is een zwaargewicht waar men niet zomaar omheen kan, maar toch is het BuZa hier gelukt om hem volledig buiten spel te zetten: 11

In zijn rapport gebruikt Maley de woorden: “in my view....” En dit is hem fataal geworden, of liever gezegd, de Hazara vluchtelingen die zo afhankelijk zijn van goed onderbouwde rapporten: Buitenlandse zaken heeft de woorden slim gebruikt om het rapport van Maley te kunnen omzeilen door te stellen dat Maley 'slechts een andere mening is toegedaan.'

Het rapport is niets meer waard in de Nederlandse rechtbank.

Tadj ieken toebehoorde. En gaat dan verder: De Minority Rights Group stelt dat het Taliban regime, dat de Kuchies mogelijk ondersteunde gezien hun Pashtun verwantschap, hen aanmoedigde om zich op land van andere etnische groepen te settelen.”

En verder:
[...] In mei 2010 bijvoorbeeld vond in Behsood [...] een van de meest geweldadige conflicten tussen Hazaras en Kuchies plaats sinds bijna 10 jaar. Het Afghanistan Analyst Network rapporteerde dat huizen werden verbrand, mensen en dieren zijn gedood en dat veel Hazaras gedwongen werden om te vluchten. En, stelt het rapport dat volgens de MRG de Hazara's, voor de genocide van Abdul Rahman Kahn met 67% de grootste etnische groep van Afghanistan is geweest.

Conclusie:
Uit de bronnen valt op te maken dat feitelijk het Taliban beleid zich al die jaren heeft voortgezet in de vorm van aanvallen van 7

Kuchies op Hazara land, zonder dat hier actief iets tegen wordt gedaan door de regering Karzai.

De summiere informatie over Kuchies door het weglaten van de geschiedenis doet de Hazaras die moeten vluchten voor de geweldadigheden van hun belagers geen recht.

In het hoofdstuk over Kuchies beschrijft het Ambtsbericht hen als “de meest arme en gemarginaliseerde gemeenschappen in

Afghanistan en velen van hen wonen in de sloppenwijken van Kabul.”

Melissa Chioyenda's reactie is hierop: Interessant dat dit alleen gezegd wordt over Kuchies en niet over Hazaras van wie elke

Afghaanse historicus zou zeggen dat juist zij de meest gemarginaliseerden zijn al heel lang...Kuchies hebben ook geleden, maar zij hebben wel meer rechten gekregen van de laatste Afghaanse regeringen.

8

2 “Hazaras hoeven niet te vrezen voor sectarisch of etnisch geweld.”

BuZa stelt in wel vier passages en een voetnoot nadrukkelijk dat Hazara's in Afghanistan “thans geen bijzondere risico's lopen op basis van etniciteit of sectarisch geweld. Hiervoor wordt een vergelijking gebruikt in voetnoot 313: dat er “in recente jaren geen sectarische aanvallen zijn uitgevoerd op sjiitische moslims zoals in Irak of Pakistan.”

Deze voetnoot heeft betrekking op een passage waarin de simultaan aanvallen op de Ashura in Kabul en Pelgrims in Mazar e Sharif van december 2011 wordt beschreven, waarbij meer dan 60 Hazara's werden vermoord- hoewel dit tijdens de verslagperiode plaatsvond, noemt het Ambtsbericht dit niet recent.

Aan het eind van de beschrijving van deze moorden die het ambtsbericht ook zelf ‘sectarisch geweld’ noemt, haast de samensteller zich een relativering te noemen om de etnische component af te zwakken door te vermelden dat ‘sectarisch geweld in Afghanistan zeer uitzonderlijk is en; dat dergelijke aanslagen aangeven dat geweld plotseling kan opslaan, overal in het land.’

De indruk wordt hiermee gegeven dat Hazara's dus geen uitzondering zijn.

9

Maar in het hoofdstuk over terugkeer spreekt het Ambtsbericht overigens ineens van ‘de slechte veiligheidssituatie in delen van Afghanistan.”

In dit verband zou zo'n relativiserende zin juist weer funest kunnen zijn voor jurisprudentie ten voordele van de Afghaanse asielzoeker.

In een rapport van het Refugee documentation centre Ireland uit 2011 dat Buza gebruikt verderop in het ambtsbericht staat dat:

Dat Hazaras meer dan 100 jaar geleden naar de Hazarajat zijn gevlucht om te ontsnappen aan vervolging op religieuze grond.
[...]

En

[...] kuchies geloven dat de decreten uitgevaardigd onder Rahid Rahman hen recht op het land geven, terwijl veel Hazaras het verlies van hun volle rechten over het land nooit hebben geaccepteerd. Als resultaat zijn Hazaras gedood en hun huizen verbrand. Rond de 60.000 mensen zijn in 2008 ontheemd, 68 5

huizen verbrand, en 28 scholen gesloten waardoor 10.000 studenten geen onderwijs meer hebben. Kuchies horen ook tot een minderheidsgroep, maar behoren tot de Pashtun bevolking.

En

Het Afghanistan Analysts network verdenkt de Taliban ervan de 100 jaar oude vete te gebruiken om Kuchies aan te zetten en hen te ondersteunen tot aanvallen tegen Hazaras. (p5-6 D.Phillips)

conclusie 1

Het ambtsbericht verteld niets over de doden, gewonden, huisverbrandingen en vluchtelingen door het conflict.

Het UK COI heeft het in haar rapport over conflicten tussen Kuchies met de “lokale” of “oorspronkelijke” bewoners. (native inhabitants)

Hierdoor worden de verhoudingen duidelijk weergegeven: oorspronkelijke bewoners versus aanvallers.

De erkenning van Hazaras als oorspronkelijke bewoners plaatst het conflict in een ander perspectief; namelijk die van

een ongelijke strijd van aanvallers op het leefgebied van de oorspronkelijke bewoners.

Hiervan is niets terug te vinden in de summiere beschrijving van het ambtsbericht.

Ik licht een passage uit waar Melissa Chiovenda op heeft gereageerd:

P65: [...] veel kuchies hebben zich destijds onder druk van het

Tal iban regime gevestigd in Noord west Afghanistan, op het land dat traditioneel toebehoorde aan de Oezbeken en Tadjieken. Dit zorgde door de jaren heen voor spanningen en conflicten. 6

Veel kuchi's leven van de veeteelt maar hun toegang tot graslanden is afgenomen door conflict en droogte. Dit heeft in de vorige verslagperiode geresulteerd in gewelddigheden tussen Kuchi's en Hazara's.

Melissa Chiovenda zegt hierop het volgende: Het kan waar zijn dat omgevingsfactoren Kuchies meer naar Hazaraland hebben gedreven, maar een historisch gegeven is dat Hazaralanden zijn afgenomen en gegeven aan Kuchies. En, schrijft ze: Het feit dat Kuchies Hazaras aanvallen wordt hier niet genoemd.

Zelf vind ik het opmerkelijk dat hier een stuk geschiedenis ontbreekt: Als je het leest is het niet logisch want: hoe komen die Kuchies van uit het N-W ineens op het land van de Hazaras terecht?

In de bron vinden we wat het ambtsbericht hier weglaat:

“Afghan ethnic groups, a brief investigation” van het Civil

Military Fusion centre uit 2011 stelt dat:

P3: “De meeste Kuchies zijn te vinden in het N-W van Afghanistan, een gebied dat traditioneel aan de Oezbeken en



Hiertoe heb ik passages over Hazara's en over de algemene veiligheid in Afghanistan uitgelicht en bekeken op zorgvuldigheid, taalgebruik, en langs de door Buza gebruikte bronnen.

Daarnaast heb ik de passages in een engelse vertaling voorgelegd aan drie ervaren Afghanistan experts:

- Alessandro Monsutti, professor sociale antropologie aan de Graduate institute of development studies in Geneva;
- Dr. Liza Schuster, socioloog en politicologe aan de Oxford University en geregeld gastdocent aan de universiteit in Kabul; 3

3

- Melissa Chiovenda; Doctoraal kandidaat en anthropology instructor aan de Universiteit van Connecticut, en adjunct professor anthropology aan de Northeastern University en Boston University's Metropolitan College. Haar onderzoek richt zich op de Hazara indentiteit in Afghanistan.

Liza Schuster en Melissa Chiovenda hebben direct gereageerd op de passages, Alessandro Monsutti algemener

Afghanistan-expert William Maley, onder andere Advocate in het Hogerechtshof van Australie, Vice-President van the Refugee Council, verbonden aan de Academy voor sociale wetenschappen in Australie en nog veel meer..komt hier ook aan de orde.

Een aantal van hun opmerkingen zal ik ook per passage noemen.

1. Over Kuchies en Hazaras

In de passages over landbezettingen van Kuchies op gebieden van Hazara's hanteerd buitenlandse zaken, een 'neutrale' opstelling. Er wordt zeer oppervlakkig over de situatie geschreven, er wordt alleen benoemd dat er "spanningen," "gewelddadigheden" of 'conflicten' zijn tussen kuchies en Hazara's die volgens het ambtsbericht 'eens in de zoveel tijd terugkeren'.

De bronnen die het ambtsbericht hiervoor heeft geraadpleegd laten zien welke gegevens het ambtsbericht heeft weggelaten over de zaak:

Het COI report van de UK border agency uit 2011 bijvoorbeeld citeert de Afghan Independent Human Right Commission over de kwestie:

4

Samengevat staat er dat de Commissie zich grote zorgen maakt over het terugkerende conflict tussen kuchies en de "native inhabitants" de oorspronkelijke bewoners van Behsood, dat heeft geresulteerd in het doden, verwonden en de verplaatsing van grote aantallen inwoners van het district. Het recht op leven en veiligheid wordt bij herhaling geschonden. De commissie heeft de kwestie tevergeefs voortdurend aangekaart bij overheid en internationale organisaties, en wijst de overheid op de plicht om volgens de wetten te handelen en het de garantie op veiligheid van mens en goederen niet mag verwaarlozen, noch het aanpakken van incidenten en juridische geschillen. De commissie roept de overheid op om te komen tot een duurzame en eerlijke oplossing.

Verder stelt het CoI dat Kuchies vanuit historisch perspectief onbekend zijn met een stabiele woonplek en nooit in bezit zijn geweest van land of huizen.

Van de Minority Rights Group International uit 2010 citeerd het COI: hoewel Kuchies nooit echt politiek betrokken zijn geweest, hebben zij een sleutelrol gespeeld in de politieke revival na het Talibanregime; samen met de Pashtuns steunde zij Karzai bij de verkiezingen in 2005.

Karzai heeft de Kuchies 10 zetels toegewezen vermeld een andere bron van het ambtsbericht, het US department of State, volgens de Afghaanse grondwet zouden dit er twee moeten zijn. (afgaand op hun aantallen)



Door: Anne Martha

Speech Hazara seminar van onderzoek Algemeen Ambtsbericht Afghanistan 2012

Inleiding

Ik wil hier graag spreken in het belang van de Hazara's die op dit moment nog in asielpcedure zitten en nog dagelijks leven in angst te worden teruggestuurd naar Afghanistan, een land dat sommige van hen zelfs helemaal niet kennen vanwege een lange vluchtgeschiedenis.

Ik wil wat vertellen over hoe de Hazara's en hun situatie worden beschreven in zes passages uit het algemeen ambtsbericht Afghanistan 2012.

Het algemeen ambtsbericht is een document van Buitenlandse zaken dat ongeveer jaarlijks herzien wordt, waarin de algemene mensenrechten- en veiligheidssituatie van een land worden beschreven aan de hand van rapportages van mensenrechtenorganisaties, experts en media berichten. Het is een essentieel document voor de beoordeling van asielaanvragen. De rechtspraktijk gaat er van uit dat het ambtsbericht volledig en actueel is, maar dat is lang niet altijd het geval.

Mensenrechtenorganisaties en asieladvocaten hebben veel kritiek geuit op zowel de individuele als de Algemeen Ambtsberichten: die zouden vooringenomen, politiek gekleurd, onzorgvuldig, niet integer, of niet actueel zijn. Ten aanzien van het ambtsbericht Afghanistan uit het jaar 2000 is er bi-

jvoorbeeld veel kritiek geweest op de partijdigheid en dubieuze medewerkers van dit ambtsbericht. Ook het Europees hof van de rechten van de mens heeft in 2007 geoordeeld dat de Raad van State zich niet blind zou moeten staren op de ambtsberichten maar andere rapporten zoals van de UNHCR even zwaar mee zou moeten wegen.

De kritieken hebben niet geholpen. Asieladvocaten ondervinden nog steeds dat de ambtsberichten een absolute status wordt toebediend door de IND en de Raad van State.

Buitenlandse zaken is geen onafhankelijk orgaan; zowel binnenlands beleid als buitenlandse diplomatieke betrekkingen horen bij het werkveld.

Asielzoekers zijn in grote mate afhankelijk van wat het ambtsbericht meldt over de situatie in hun land of etnische groep en zijn vaak met hun leven afhankelijk van een integer, zorgvuldig en objectief landenrapport.

Ik heb een onderzoek gedaan naar hoe de Hazaras en hun situatie in Afghanistan worden geportretteerd door de ambtsberichten van 2012 en 2013.



USAID was allocated to Bamiyan province, whereas the South and South-eastern regions receiving over 90% of usaid aid money. This has frustrated many ethnic-Hazaras who might start taking their grievances in their hand as they did during the Afghan civil war (1992-12001). The consequence of this could be severe. At the Bonn Conference in 2001, the United Nations, estimated the population of ethnic-Hazaras to be around 19 per cent. It was agreed that the interim government should consider this estimation for staff recruitment in police, army and other governmental departments. However, because of Afghan government's discriminatory policies

the current estimate put Hazaras at only 9%. According to data by Office of Administrative Affairs, the Hazaras have only constitute 3 % of the state bureaucracy, police and army. Although in the last 12 years, a Hazara hold a second vice president position and there were 2-3 Hazaras ministers in the government, but according to the most Hazaras their presences were mainly symbolic and less beneficial for deprived Hazaras. The lack of opportunity for the Hazaras to be recruited in the government has made them to think about migrating elsewhere and seeking asylum in the developing countries. This has

been made worse by the fact that the Hazaras has had the highest number of university graduates in post-2001 period. Tahir Shaaran, Hazaras Solidarity meeting, 26 May /2014, Netherland 7 Conclusion To conclude, the overall situation of the Hazaras in post-2014 Afghanistan remains vulnerable. Their democratic achievements in post-2001 period are at risk. Given the Hazara community's overwhelming support for the international coalition and to the democratic process, the international community and the European governments must put in place measures to safeguard the human rights of the Hazara people.

of intimidation, to Hazara districts within Ghazni province, warning that the main road to Kabul is closed to them. Since then, the Taliban have stopped and searched civilians, tortured, detained, and killed innocent people.

- In Oruzgan province, in June 2010, 11 Hazara men were beheaded by the Taliban. Mohammad Gulab Wardak, the district police chief,

reported that the Taliban killed these men because they were ethnic

Hazaras and Shi'a Muslims. Tahir Shaaran, Hazaras Solidarity meeting, 26 May /2014, Netherland 5

- August 2013, two Hazara civilians travelling to Bamiyan province were abducted and beheaded by the Taliban.

- In the last few months Mohammad Hadhi, 30 years old from Bamiyan, Baqar Fahimi, a university student from Ghor province and a driver named Ziauddin from Ghazni, killed because they were Hazaras.

Kuchi-Hazara Issue

Another key source of vulnerability for Hazaras is the nomad-Kuchi/Hazara dispute, which takes place every summer. The nomad-Kuchis

are ethnic-Pashtuns. The origin of the dispute dates back to the 1894 edict issued by the King Abdur Rahman Khan, which gifted lands throughout Hazarajat to those Kuchi clans that had assisted him in defeating the rebellious Hazaras.

The Karzai government has largely ignored to address or stop the violence.

Meanwhile, the Taliban has exploited this opportunity to incite inter-ethnic tensions.

- In 2008, approximately 60,000 farmers were displaced. The Kuchis took over administrative offices and even hoisted the Taliban flags (UNEP, 2009).

- In May 2010, a report estimated that up to 300 Hazara villages were displaced, burnt and looted, as well as 28 schools closed leaving 10,000 students without schooling facilities (Foschini, 2010).

- A UNDP 2009 report concluded that the armed conflict has reached a level where it can easily evolve into inter-ethnic conflict that can engage further Taliban exploitation.

As Prof. Marley concluded, the position of Hazaras as a predominantly Shi'a

non-Pashtun minority, makes them an easy target for the overwhelmingly

Pashtun-Taliban seeking to rebuild support from Sunni Pashtun groups such as the Kuchis. Hazara fears at present are gravely aggravated by the recent

attempt to negotiate a settlement with the Taliban. Tahir Shaaran, Hazaras Solidarity meeting, 26 May /2014, Netherland 6

The social and political injustice

Afghanistan's 2004 Constitution includes protection for Human Rights and it ensures the rights of all ethnic and religious groups. However, the historical

and systematic discrimination against Hazaras exists and they will struggle

for economic, social and racial justice for a quite long time.

Whilst such grievances are expected within the country given the historical

discriminatory policies of Afghan rules and governments, but what is

surprising is the lack of international attention, Western countries, have paid to the region occupied by the Hazara community in areas of development.

The Hazarajat region has received only a small proportion of aid. For

instance, in 2009, only 1% of

future unless there was more foreign assistance. Graeme Smith, the senior analyst of this center in Kabul said as foreign troops have pulled out, fighting has changed into a mix of ethnic, tribal and political conflicts. “Across Afghanistan there a thousand little wars playing out in so many ways,” he said. If such a prediction occurs, then the Hazara community would be the most vulnerable ethnic minority group in Afghanistan, given their pro-Western stand since 2001. Tahir Shaaran, Hazaras Solidarity meeting, 26 May /2014, Netherland 4 Hazaras in Post-2014 International Military Withdrawal

To elaborate, the vulnerability of the Hazaras are best reflected in a statement released, in August 2013, by Gulbuddin Hekmatiyar, the insurgency leader of Hizb-e-Islami, who openly threatened the Hazaras by stating that: “the time will come when the people of Afghanistan will stand for taking their usurped rights and then the [Hazaras] will have no safe haven in any corner of the country to hide... they would pay the price of supporting them” and by ‘them’ he meant the international coalition.



It should be mentioned that this is not the first time that the Hazaras have been threatened for their support to the international community and their progressive values and subsequently have been gravely punished. As Prof. William Marley, who is an expert on Afghanistan, cautioned, history shows that every reform, which delivered greater equity for Hazaras did not stop the bloodshed that followed after. With critical failures to implement rule of law beyond Kabul or even maintain it in Kabul, the main

roads to Hazarajat are unsafe. In the recent years, there have been many beheadings, kidnappings and other Taliban attacks against ethnic Hazara community on these roads. In particularly the motorist avoid the Kabul-Behsud Highway as they called it Death Road. I would like to point out some of the recent incidents where Hazara civilians have been victims of Taliban and local attacks to highlight their vulnerability, especially areas neighbouring the Pashtun districts.

- In June 2010, the Taliban distributed night letters, a method

million Hazaras casted their ballot in the first round. This is equivalent to 22 % of the total vote in the country. In addition, in the certain areas by noon some polling stations had run out of ballot papers and thousands could not vote. Tahir Shaaran, Hazaras Solidarity meeting, 26 May /2014, Netherland 3 Security:

Although since June 2013, the Afghan security forces have been in the lead for security across the country, the Post-2014 situation is profoundly threatening with the NATO-led International Security Assistance Force (ISAF) ends its mission by the end of 2014. President Hamid Karzai refus-

es to sign the Bilateral Security Agreement (BSA) to allow a small force of US troops to stay after December 31 2014. Even though, both Abdullah Abdullah and Ashraf Ghani have said they would sign the Bilateral Security Agreement if they won the election, this might not happen until September. The impact of this delay will be very severe on the morality of the Afghan troops and economy of the country. In the past 7 months the insurgency have conducted 10 high profile attacks in Kabul city, alone. The Taliban militants have expanded their wave of attacks to the northern Afghanistan, the area which has been

more stable in past 12 years. The US State department's assessment of the current situation is as follows and I quote: "[Afghanistan] still faces daunting challenges, including fighting an insurgency, preventing the return or resurgent's of Al-Qaida... Clearly the security situation remains critical. No province in Afghanistan should be considered immune from violence." In a report released last week The International Crisis Group think tank said that the number of attacks by Islamist insurgents had risen since the drawdown of foreign troops began, and forecast a bloody





tions and the first round presidential election in this year, having the highest participation Tahir Shaaran, Hazaras Solidarity meeting, 26 May /2014, Netherland 2 rate, especially amongst women.

And I would like to point out, a few of these democratic achievements:

- The first female minister in Karzai's Interim Government in 2001 was a Hazara.
- The first female governor in Afghanistan's modern history is a Hazara.
- The highest percentage of girls attending primary schools are from Hazara community. For example, in 2008, 80 percent of the

Hazaras's girls attended school, which is a stark contrast to 10 per cent in the Southern provinces.

- Last but not least, Hazaras have the highest number of female military and police officers in the National Security Forces (ANSF).

The Present Situation in Afghanistan and Post-2014 Election:

On April 5 the provincial and presidential elections took place in Afghanistan to choose a new president after 12 years of Hamed Karzai. If all goes smoothly, this would be the first democratic transition of power from one elected leader to another in

Afghanistan's modern history. The elections were organised and managed by the Afghans. Despite all the treat from Taliban nearly 7 million people, a significant higher turnout than most European counties. Of these 36% of whom were women. Candidates have accepted the final results of the first round of voting. The two front-runners in the race, Abdullah Abdullah and Ashraf Ghani, who won 45 percent and 31.6 percent of the vote, respectively, are ready to go for runoff on June 14. In regard to Hazaras, what is significant is their overwhelming participation in the election. More than 1.5



Post-2014 International Military Withdrawal

Good afternoon. It's a pleasure to be here and to talk about the situation of

ethnic Hazaras in Afghanistan and the impact of the 2014 military withdrawal from the country on the Hazara group.

The Hazaras in Post-2001 international intervention.

Whilst in the South, the population have supported and on occasions given

shelter to the Taliban and extremists, the ethnic-Hazara community has

been the main pro-government and pro-international military forces in the

country since 2001. The Central region of Afghanistan, known as Hazarajat,

where the ethnic Hazara community resides, has been peaceful and stable.

There has been seldom attacked against the military forces in the region.

Moreover, although Afghanistan remains the largest illicit opium producer in the world, Hazarajat has been a poppy-free zone.

Michael Semple, the 2008 Deputy to the Special Representative of the EU in Afghanistan commented about the Hazaras and I quote:

"The Hazaras are producing the most enthusiastic, educated, and forward-looking [people in Afghanistan], who are seizing the opportunities provided by the new situation."

Similarly, Dr. Sima Samar, the

Director of Afghanistan Independent

Human Rights Commission, the winner of multiple human rights

awards and twice noble peace prize nominee, noted, and I quote:

"The Hazaras are more adaptable to democracy, because they feel

the pain more than others. They feel the discrimination. They really

want equality and social justice."

Since 2001, the Hazara ethnic community has proven themselves to be

pro-democratic and adaptable to liberal values and beliefs. They played an

active part in the last two Presidential and Parliamentary elec-



Door: Tahir Shaaran

Speech Menschenrechten voor Hazara's Seminar van onderzoek Algemeen General situation of Ethnic-Hazaras in Afghanistan

Terrorists are not only terrorizing our present but also destroying our future. In any other part of the world, no one can imagine the experience of sitting with the dead body of his/her father, brother, sister or mother in freezing temperatures in the age of 5-7 years? In Quetta you will find hundreds of children who have gone through such experience when usually children don't even know the meaning of death and protest. Our children live under such a fearful and frightening atmosphere created by perpetuated and well thought out execution against my nation in Pakistan.

Our youth has been disoriented and lost their faith and hope in life. In Quetta THE QUEST of life is only TO LIVE as other things like education, career and future have become secondary for them. Young boys are not interested in living in Pakistan and everyone is in a race to flee to country for the sake of his life.

Hazara live in two neighborhood areas Hazara town and Alamdar road

I would like to highlight the predicament of those families where you won't find any young male because they have been killed. Young widows, old mothers and young sisters are living under a state of insecurity, social injustice and psychological stress and have no reason to live anymore. There are no mechanisms available that can help them live a better life, help them come out of trauma and pain, rehabilitate their social and economic life and provide them enough opportunities to become a normal human being and live a better life.

Hazara community of Quetta is compelled to live in isolation due to security reasons. 90% areas of Quetta city are forbidden for Hazara men and women and they move out or visit other parts of city while putting their life at risk. Majority of students have already abandoned their higher education

because studying in Universities and colleges has become a life threatening activity. Access the health facilities is another big issue especially for pregnant women and medical emergency cases. Traders, laborers and job holders are earning their livelihood in extreme danger.

I would like to put following points for your consideration and action;

1: There is a dire need to work for the wellbeing of Hazara victims' families.

2: Everyone must do his or her part without thinking that he will make a difference or not.

3: Acknowledge and appreciate women's role in peacemaking and rehabilitation of affected families by terrorism.

4. Hazara are literally facing genocide in Pakistan. We call upon international organizations and human right friendly governments to take notice of this rapidly deteriorating situation and urge the government of Pakistan to end impunity against terrorist and dispense justice to Hazara victims.

5. We all believe in humanity and will advocate humanity, equality and justice for all minorities in the country.

The government of Pakistan has failed to protect the lives of its citizens in general and lives of Hazara people in particular. State and Government of Pakistan are not responding to the situation

with enough seriousness as Hazara are a minority with occupying least political space and power on national and international landscape so naturally are not the priority list of provincial and national government. The only way to combat this terrorism is Unity and raising voice on every available national and global platform and mustering the support of those who believe in Human Dignity, Equality and Justice without any discrimination.

My slogan is that we should do our little part without thinking that we would be able to make a difference or not, we can make difference with our little efforts. If nothing else at least we can face ourselves that we didn't sit quietly because those who are quite are also supporters of the culprits.

I appreciate the efforts of hazaraha e Holland again and thank my organisation "Bytes For All" for supporting Hazara cause at all levels, especially my country director Shahzad Ahmed who's unconditional support and guidance at personal and organizational level always keep my moral up.

In the end I would like to thank the participants of the event and request to spread the message and continue the struggle.

All the best
Zinda bashin, jor bashin





Door: *Fatima Atif*

Speech Mensenrechten voor Hazara's Seminar problemen van Hazara's in Pakistan.

Distinguished guests, ladies & gentlemen

This is a great honor for me to be with you this evening.

I would like to thank Hazarahai Holland especially H. Alizadah sahib who are dedicated and busy with continued struggle for highlighting the Hazara specific problems on such big platforms and are able to connect with Holland Government and other stakeholders to take positive and appropriate steps towards the possible solutions of the problems.

Let me acknowledge and appreciate the efforts of Hazarahai Holland that has turned into an influential platform for connecting the unheard voices of Hazara tribe with global bodies, institutions and governments. I have witnessed the effectiveness of such events in March this year during my visit to Holland.

I am honored to speak on behalf of my community back in Quetta, the capital city of Baluchistan. I would speak and highlight the conditions under which Hazara are living in Quetta since last 12-14 year.

According to HRCP, 30,000 (thirty thousand) community mem-

bers have migrated from Pakistan in last 5 years just for saving their lives. Terrorists groups and individuals have used every possible method of killing us, they have the capacity to kill Hazara community openly in broad daylight in the streets of Quetta city, blasting pilgrims buses with improvised explosive devices or suicide bombers, so much so they have no fear in penetrating in our localities and exploding us with hundreds of kilos of explosives. They have no dearth of resources, ammunition, suicide bombers and incessant support from known and unknown elements. They openly claim the responsibility of killing us and enjoy impunity and none of them ever captured by law enforcing agencies of Pakistan.

This has been always an extreme emotional depression for me when I talk about those innocent children, women and men who were mercilessly killed. One accidental death of your loved one entirely changes the course of life and I have to talk about thousands of innocent who were killed because of their faith and

ethnicity.

Ladies and gentlemen, Total no of shuhada is 1300 (among which no of women is 30 + and children 200+, killed during the last decade, 2950 people are injured among which completely paralyzed persons are 100+, people died in boat sank incidents 750 (fleeing to Australia and other parts of world)... (source of information Tanzeem Nasle Nau Hazara Mughal Quetta)

I would try to share the plight and pain of those who have lost their dear ones and forced to live in a permanent state of shock and emotional stress doubled with complete social, economic and financial insecurity. Hundreds of children have lost their fathers and deprived of the love, protection and guidance that could help them to grow as good human beings and productive citizens but instead now they have to grow as incomplete personalities deprived of their basic rights and needs, raised under the shadow of horrible past that is full of fear, blasts, mutilated and unrecognizable bodies of their family members.



ers te beveiligen tegen de ouders.

- De nieuwe Afghaanse regering onder druk te zetten om mensenrechten te respecteren.

- Het verhaal van de Haz-

ara vluchtelingen serieus te nemen: zij zullen blijven vluchten zolang de overheden van Pakistan en Afghanistan hen geen veiligheid en gelijke rechten kan bieden.

Alleen door deze problemen onderkennen kan de internationale gemeenschap bijdragen aan de vrede voor alle de alle bewoners van beide landen.

Dank voor jullie aandacht!

Vanuit dit gevoel van hoop hebben de Hazaras meegewerkt met de Internationale gemeenschap om een nieuw, democratisch en rechtvaardig Afghanistan op te bouwen. Zonder opium en zonder terroristen.

Met die hoop hebben Hazaras zich in de afgelopen 13 jaar kunnen opwerken tot in de universiteiten van Afghanistan. En inhaalslag kunnen maken na ruim een eeuw van onderdrukking.

Ik kan u gerust zeggen, dat Hazaras in de laatste 13 jaar geen terroristische acties hebben ondernomen maar wel vele medailles gewonnen met studies, sport, kunst en andere beroepsvaardigheden en hierdoor hebben bijgedragen aan de opbouw van Afghanistan.

De geschiedenis van de vervolging op Hazaras hebben we op 13 juni 2013 in beknopte vorm aan het Nederlands parlement overhadigd.

U kunt hiervan vandaag hier nog een kopie ontvangen.

Helaas is er tot op heden niets veranderd in Quetta Pakistan.

De daders van deze aanvallen en brute moorden lopen vrij rond en het geweld tegen Hazaras blijft doorgaan!

Een oplossing is dringend nodig, opdat mensen niet hoeven te vluchten voor hun veiligheid. Zowel in Pakistan als in Afghanistan waar ons de verkiezingen en terugtrekking van de Nato boven het hoofd hangt. Vanaf deze maand mer, heft de Nato geen vertegenwoordiging meer in Hazaragebieden zoals Gahazni. (de Polen hebben zich vervroegd teruggetrokken)

Bij de opiumkweek in Afghanistan is geen enkele Hazara betrokken. Misschien juist door een eeuw lang onderdrukking zetten Hazaras nu juist alles op alles om hier een einde aan te maken door educatie. De prioriteit ligt voor Hazaras bij een algemene verbetering van de levenskwaliteit in Afghanistan.

Ook in Quetta Pakistan worden er door Hazaras geen terroristische activiteiten ontplooid, na meer dat 10 jaar genocide op Hazara wijken wordt nog altijd verzaam gedemon-

streerd. Maar de pijn van het niet gehoord worden, is er niet minder om...

De Nederlandse ministers, het ministerie van Buitenlandse Zaken en mensenrechten Ambassadeur hebben sinds 2013 gewerkt voor deze zaak, de veiligheid van de Hazaras. Namens hen werd uitleg gevraagd aan de Pakistaanse diplomaten in Nederland. De Plaatselijke mensenrechten organisaties van Quetta reopen om vrede.

Wij vragen vandaag nogmaals om jullie aandacht, steun en hulp om de situatie van Hazaras van Afghanistan en Pakistan onder ogen te zien, hen te ondersteunen en hen veiligheid te bieden.

Help ons deze veiligheid voor Hazaras te verwezenlijken!

De Acties die daarvoor nodig zijn:

- De Pakistaanse regering onder druk zetten om de daders van de genocides te arresteren en te berechten voor de rechtban.
- De Pakistaanse regering op te reopen hun inwon-

naar Daikundi...

Hazaras wachten al 13 jaar op verandering in de manier van denken van de overheid, zodat het werk aan de wegen rondom de Hazaragat zou worden afgemaakt. Maar dit is tot nu toe niet gebeurt.

Alleen Dai Kundi is provincie geworden. En daar is ook nog veel werk niet gedaan. Wegen regering in Kabul weld at niet, de minstere de finance bijne niest betaald, ook taleban uit oruzgan altijd dar onveilig makt...

Er zijn veel onderwerpen die we zouden kunnen bespreken over Hazaras en noog meer onrechtvaardigheden. Maar wij hebben geen tijd meer om hier over te praten. Mrt alle positiever acties en voorstellingen en samenwerking met de Internationale gemeenschap hebben Hazaras nog altuj serieuze problemen. Hiervoor is aandacht nodig.

Toen de Nato de missie in Afghanistan begon in 2001 betekende vooral voor Hazaras hoop op een veilige toekomst in hun eigen land.

نسل کشی هزاره ها را متوقف کنید.

Stop killing innocent Hazaras in Quetta





de Hazarajat om deze te vernietigen en in beslag te nemen. Duizenden inwoners hebben hun land achter zich moeten laten en zijn gevlucht en dat gebeurt op dit moment weer. Ondanks aandringen bij de overheid door de AIHRC om in te grijpen is de situatie voor Hazara niet veranderd. Zij moeten blijven vluchten.

De verbinding tussen Hazara streken en Kabul is onder controle van de Taliban. Dagelijks snijden zij de hoofden af van Hazara passagiers. Als trofeeën in een overwinning, toont de Taliban de moorden op het

internet. De hele wereld kan getuigen.

Maar de politie en veiligheidsorganen doen geen moeite om dit soort aanvallen te beëindigen.

Miljarden dollars zijn Afghanistan binnen gekomen in de laatste 12 jaar, geen één dollar is uitgegeven voor de veiligheid in de Hazarajat of de ontwikkeling van de wegen en of infrastructuur in een Hazara streek.

50 jaar geleden is er een voorstel geweest om een snelweg te maken tussen Kabul en Herat die de

Hazarajat passeert.

De kosten werden door Italië betaald. Maar de Afghaanse overheid wilde niet dat Hazaras uit hun geïsoleerde streken zouden komen

De laatste 12 jaar zijn er meer wegen aangelegd in Afghanistan maar als ze dicht bij de Hazara streken kwamen, werd het werk volledig stop gezet. De autowegen tussen Parwaan en Bamyán, bijvoorbeeld en van Ghaznie naar Jaghuri, van Kabul naar Bamiyan, en Behsood naar Parwaan, Beghlan naar central Afghanistan, en Uoruzgan

het recht hadden om de gebieden in de Bergen te gebruiken, dat was voor de bewoners verboden. Honderd jaar later wordt hier nog steeds misbruik gemaakt door de Kuchies.

De reeks is in 2013 vertaald door uitgeverij Brill in het Engels en ook hier verkrijgbaar.

Jammer genoeg moeten wij vast stellen dat 100 jaar na het regime van Rahman Khan nog altijd slachtoffers worden gemaakt onder Hazara's in Afghanistan op de zelfde gruwelijke wijze, gemotiveerd door dezelfde etnische haat.

En als we terugkijken, zien we dat in de afgelopen 100 jaar elk regime dat in Afghanistan de macht had genocide pleegde op Hazaras om de macht te behouden: onder de Koninklijke regimes, onder het Communisme van Rusland, onder de macht van de mujahedin en van de Taliban; iedere machthebber op hun beurt had er belang bij Hazara's uit te moorden.

Ook nu nog wordt er in Afghanistan met deze gedachten geleefd en worden regelmatig Hazara's ver-

moord, individueel of in groepen, omdat ze Hazara zijn.

Een duidelijke voorbeeld van aanhoudende genocide op Hazara's tegenwoordig zien gebeuren door de Kuchies, van wie bekend is dat zij gefaciliteerd worden door de Taliban. De Kuchies zijn een Pashtun-nomadenvolk, die voorzien worden van wapens om Hazara's uit hun gebieden te jagen, huizen af te branden en land in bezit te nemen, in Behsood, Nawur, Ghazni? en ook andere streken noemen! Elk jaar opnieuw trekken na de winter de Kuchies door





een ernstige en bedreigende situatie.

Meer dan een miljoen Hazaras leven er voornamelijk in de twee steden Borori en Mari Abad. Zij leven daar als gevangenen ! Zij kunnen zich niet zonder gevaar voor eigen leven buiten hun stad bevinden. Het risico om op brute wijze gedood of beroofd te worden is een dagelijkse realiteit.

Contacten met de buitenwereld zijn verbroken, deze mensen zijn afgesloten van de rest van het land. Handel drijven is onmogelijk.

Regelmatig zijn er aanvallen (van de Lashk-e-Jhangvi?) die tot op heden duizenden doden en honderden gewonden tot gevolg hebben gehad! Pakistan was een land waar Hazaras uit Afghanistan veiligheid zochten,

maar nu zijn Hazaras zijn genoodzaakt te vluchten naar andere landen, ook naar Europa.

De geschiedenis van de Hazaras

De genocide op Hazaras begon ongeveer 120 jaar geleden met het regime van met het regime van de Amir, Abdul Rahman Khan. 60% van de Hazara's in Afghanistan werden op zijn bevel uitgemoord.

Een groot deel van de Hazara bevolking vluchtte uit Afghanistan en meer dan honderd duizend Hazaras werden verkocht als slaven.

Dankzij de slavenhandel en slavenarbeid van Hazaras is een groot deel van de Afgaanse economie tot stand gekomen.

In die tijd bestonden er regels voor de genocide van Hazaras en stukjes van deze regels kan men terug vinden in de reeks van 6 geschiedenisboeken Saraj- u-Twarikh .Saraj-U-Twarikh delen 1_tot en met 3 van Fayz Muhammad Katib Hazara

Bijvoorbeeld dat de Kuchie



Door: H. Alizadah

Speech Mensenrechten voor Hazara's Seminar van onderzoek Algemeen problemen van Hazara's in Afghani- stan en Pakistan



Geachte dames en heren,

Wij zijn heel dankbaar met jullie aanwezigheid bij deze bijeenkomst!

De genocide van Hazaras in Quetta Pakistan, ook Target Killing genoemd, is onze

grote zorg. Wat daar gebeurt krijgt internationaal weinig of geen aandacht maar is wel

because the darkness could make difficult for the taliban to recognize my face. I could also speak fluently pashtu, so my chance to get through the check points was much higher than those who didnt posses this «advantage».

I safely got through all the check points until Kandahar.

But I saw many Hazara passengers sitting on the ground surrounded by armed taliban at the check points. You could see the sign of death on their faces.

Today, There are still families, mothers who are waiting for their sons, for their fathers and for their loved ones to come home one day. They are still questioning those who return home from abroad if they have seen or know anything about their missing loved-ones!

The day after, I tok taxi to the station to get another minibuss to Quetta the border city of Pakistan. I asked a driver for how much does it cost for a ticket. I know you have fooled taliban by pretending that you are not hazara, but the pakistani police is not easy to be fooled. If you wanna pass through the check points at the border and inside pakistan you need to pay more.

You know that carrying a

Me

For those of you who dont know me, my name is Bazil Nicobin. For those of you who know me, my name is stil Bazil Nicobin. I am a Norwegian Hazara and living in Oslo
Giving speech in a foreign language has never been easy, at least for me. But today I will do my best to make it happen.

Hazara in your car is panishable. I was afraid, had no option but to pay what he asks for. When we were getting close to the border the driver told me to cover my face and pretend that I am sleep. When we stoped at check point, a police officer got into the minibus and checked one by one and shouted if there is any Hazaras in Urdo and Pashtu

then the officer tried to take the turbun off my face, the driver said oh please officer dont bother him, he is a disabled and sick man. When we passed the check points and I tok off the cover, som of the passengers felt pity for me some of them just loughed, but no one could feel whats was going on in me! The driver continued using the same tricks until we got to our destination Quetta. I stayed in Quetta for some days to find my way out to Iran.

I have experienced the same

humiliation in Iran, while our buss pulled over in a check-point an Irani officer steped in to the buss and shouted with his finger poited to me, You afghani, get out of the bus.

After a moment of phisycal and verbal humiliation, he asked me whether I am a Shia or Sunni, I am a shia, I answered. Shut up!! The officer shouted and said, come on you dont even look like a muslim, you say you are a shia.

So difficult it is to be a hazara.

Once ogain I would like to thank you very much for concerning about hazaras and hazara-related issues.

I think the genocides, prosecution, discrimination and marginalizing of hazarar are as much important as the holocaust, as the genocide in uganda and the genocide of the armanies in northern turkey to pay attention to.

Thank you



treated as third-class citizens with limited rights.

There are many people who still believe that the Hazaras are less-talented and weaker than the other ethnic groups in the country! I do not ignore the developments in the past decade of democracy where Hazaras had a wide attendance in the field of education, social and cultural activities. But there are still serious barriers which prevent Hazaras from being treated equally.

For example, Hazara dominated provinces get the minimum amount and resources for the construction of schools, roads and clinics, most of the Hazara children

in Bamian and Daikundi provinces are still deprived of having school buildings and school supplies.

They are studying under the trees. While in the other provinces like the southern ones, especially in the Taliban-dominated area, the government reconstructs schools and the Taliban blowing them up again.

Being a Hazara migrant in the Islamic Republic of Iran, you should pay a price for Changiz Khan's war crimes. Iranians look at Hazaras as the descendants of Gengiz Khan because of their Mongolian-looking face. Most of the Iranians do not often recognize Hazaras as Shia

Muslims.

Today, I would like to share some of my personal and eye-witnessed stories to make you better understand the situation of being a Hazara in that region.

I don't remember exactly the date, but it was once upon a time under the Taliban regime, probably between 1999-2001. The Taliban had approximately 95% of the whole country under their control, the Hazara community in Helmand province is continually receiving deadline messages to leave the country by their own. Hard days, You could see scared and frightened Hazaras moving slowly in the streets. To flee the country was not either easier, because we were completely surrounded by Taliban. To get to Pakistan or Iran you should pass through hundreds of Taliban checkpoints, there were hundreds of Hazara passengers and businessmen who have just been slaughtered by Taliban, therefore I was not able to persuade my family to let me leave the country, but I had to. I made my decision, dressed me up like a typical Pashtun and got to the minibus in the evening in Helmand province heading Kandahar, I chose to travel at night



Door: Basil Nicobin

Speech Mensenrechten voor Hazara's Seminar van onderzoek Algemeen

Dear respected & distinguished guests and participants, ladies and gentlemen. Its a great hounor for me to be here among you today. you the wonderfull people, who gave me this apportunity to share my thoughts and concerns about the Hazara related issues with you!

I would like to thank the whole team of the organizers and especially the supervisor of this seminar Mr. Alizada for his hard working and his efforts to make it happen!

Me

For those of you who dont know me, my name is Basil Nicobin. For those of you who know me, my name is stil Basil Nicobin. I am a Norwegian Hazara and living in Oslo

Giving speech in a foreign language has never been easy, at least for me. But today I will do my best to make it happen.

Hazaras

Hazaras are the third largest ethnic group in Afghanistan,

but has been overlooked, marginalized and abandoned a long the history, essentially because of their differences . Hazaras have been the most vulnerable and prosecuted ethnic group not only in Afghanistan but in the region. In the field of Afghan-politics, Hazaras are paying a high price for the accusation of being Irans mercenaries and agents, because they are Shia-muslims.

In the field of social and cultural, Hazaras are still being



van Europa. (officieel zegt men dat een smokkelaar dit heeft gedaan, maar ik geloof dat niet. Turkije heeft in 2013 voordeeltjes zoals vrije inreis naar EU voor Turken gekregen van de EU als zij de vluchtelingen tegenhouden aan de EU grenzen.). Ook vanuit Europa worden Hazara's gedwongen terug gestuurd naar Afghanistan. Zelfs als iemand daar nog nooit is geweest. Van enkelen is bekend dat zij vermoord zijn door de Taliban. Van anderen weten we het nooit omdat Europa dit ook niet wil weten...Afghanen uit het Westen zijn verraders voor de Taliban en hebben nog grotere kans vermoord te worden. Hazara's leven er dagelijks

met die angst. Wie overleeft, doet dat vaak in onmenselijke omstandigheden zoals in West Kabul, al 30 jaar het toevluchtsoord voor gevluchte Hazara's. Hazara's moeten, net als de Oeigoeren uit China, (vluchtelingenwerk Nederland, die er ook zal zijn, maakt zich hard voor de Oeigoeren, maar niet voor Hazara's. Daarom misschien goed om te noemen dacht ik? Ik vind dat ze ook Hazara's moeten helpen, maar zij vinden dat 'Hazara's het best goed hebben in Afghanistan.'- hiermee volgen ze het officiële landsbeleid van Buitenlandse zaken van NL.) bescherming genieten. Dit is hun recht als de internationale verdragen zouden worden nageleefd. Dit

recht, het Vluchtelingenverdrag, heeft Nederland ondertekend. Er is geen land waar Hazara's op dit moment veilig zijn.

Het is aan ons Hazara's, Mensenrechten organisaties, en activisten, de Verenigde Naties en andere veiligheidsorganen om Hazaras te helpen en veiligheid te bieden.

Ik wil Nederland oproepen om de Hazara's te ondersteunen in het recht op veilig leven en mensenlevens boven politieke en handelsbelangen te stellen. Ik ben blij dat ik kan hier zeggen dat er Nederlandse parlementsleden zijn die ons ondersteunen en ik hoop dat dit partnerschap blijft duren zolang het nodig is.

(Terzijde; misschien niet zo slim om te zeggen...De internationale gemeenschap waaronder Nederland, heeft bijna 7 miljoen geïnvesteerd in de Afghaanse verkiezingen, om deze 'duurzaam en integer' te laten verlopen.

Met zoveel investering is nog nooit iets op 'integere' wijze tot stand gekomen is mijn overtuiging -het Westen is er alles aan gelegen om A. Abdullah niet te laten winnen...).

Hazara's zijn van ouds-her pacifist; de geschiedenis toont aan dat wij geen vechters of imperialisten zijn. Wij moesten ons met wapens verdedigen tegen

personen die ons van de aardbodem wilde laten verdwijnen. Voor de wet heet iedereen 'gelijkwaardig' maar het wordt Hazara's niet toegestaan om deel te nemen aan belangrijke beslissingen over ons land. Tot op de dag van vandaag blijven Hazara's in de ogen van velen, inclusief de Afghaanse overheid tweederangs burgers en worden prestaties van Hazara's eerder als bedreiging dan als toegevoegde waarde voor de staat Afghanistan gezien. Dit is de waarheid die de internationale gemeenschap moet weten en erkennen.

Het woord» sociale rechtvaar-

digheid « moet nog worden uitgevonden in landen als Afghanistan.

Men vlucht naar andere landen:

- Maar in Pakistan worden Hazara's onder druk gezet en leeft men dagelijks in angst voor genocide.
- In Iran zijn Hazara's uitgesloten van faciliteiten en algemeen welzijn, om werkgelegenheid voor de eigen bevolking te creëren. Op de grenzen van Afghanistan en Iran worden meer en meer mensen op de vlucht vermoord.

Het is normaal dat men vlucht naar een veilig land als je in levensgevaar verkeerd of je kinderen niet veilig zijn. Bescherming zoeken is een Recht van ieder mens.

Maar in Ankara moeten honderden vluchtelingen protesteren voor het kantoor van de UNHCR om dit Recht te behalen, om überhaupt te mogen procederen voor hun asielaanvraag!

Zij worden niet gehoord, maar worden uit elkaar geslagen door de Turkse politie. Tegelijk worden twee Afghaanse Hazara familie's vermoord op de grens van Turkije en Bulgarije, veroorzaakt door de aangescherpte grensbewaking





derheidsgroep in de internationale migratiepolitiek en toevluchtlanden zoals Australië en Europa?

De Afghaanse politiek onderhandeld met deze landen.

Onder internationale politieke druk neemt Afghanistan in 2004 officieel een wet aan waarin alle etnische groepen die er leven als gelijkwaardig worden beschouwd.

Maar die gelijkwaardigheid bestaat niet tot op de dag van vandaag.

Hazara's die de mogelijkheid hadden, hebben zich in tien jaar tijd omhoog gestudeerd, niet dankzij, maar juist ondanks een structureel tegenwerkende overheid.

De meesten Hazara's worden uitgesloten van maatschappelijke positie en werk omdat

ze Hazara zijn en de Hazara's die wel op zo'n positie zitten, bijvoorbeeld in het parlement, worden uitgesloten van belangrijke beslissingen, genegeerd en behandeld alsof ze geen stem hebben.

Dit is de realiteit van Afghanistan vandaag, waar verre weg de meeste Hazara's helemaal geen kansen hebben en leven in bittere armoede en onveiligheid.

Er is geen sociaal rechtvaardige overheid in Afghanistan, noch in Pakistan, noch in Iran. Hazara's, zowel als etnische bevolkingsgroep als Sji'ieten, worden in deze landen niet als volwaardig burger van de maatschappij beschouwd, gediscrimineerd, uitgesloten of vermoord.

Bij de verkiezingen in 2009 heeft iedereen, ook de onafhankelijke verkiezingswaarnemers van Europa, kunnen zien hoe gebieden in de Hazarajat werden uitgesloten van stemmen omdat het er plotseling 'te onveilig' was en er geen stembureaus geplaatst mochten worden.

Bij de huidige verkiezingen heeft iedereen weer kunnen zien dat er te weinig stembiljetten werden toebedeeld aan stembureaus, met name in de Hazara gebieden. Er waren Hazara's die van ver moesten reizen en die na tien keer terug komen, nog geen stembiljet konden bemachtigen.

Wat is het gevolg van dit soort vuil, oneerlijk en ongelijkwaardig politiek spel?

Speech Mensenrechten voor Hazara's Seminar van onderzoek Algemeen situatie van Hazara-vluchtelingen in onder meer Iran en Turkije



Door: Zarkari Isa

Afghanistan: een woord dat bijna elke dag op het nieuws komt.

Afghanistan: een land waar bijna alle dagen doden vallen.

Afghanistan: een land waar zakken worden gevuld.

Afghanistan; een grote markt van heroïne en drugs.

Afghanistan; een thuis voor massa's terroristen vanuit de hele wereld.

Afghanistan; een land van miljoenen dode ouders, alleenstaande kinderen en weeshuizen...

Maar Afghanistan is ook een mooi, land met een rijke history, en een prachtige natuur een rijke cultuur en gastvrijheid.

Het is Mijn Land.

Zoals jullie weten, wonen er in Afghanistan verschillende bevolkingsgroepen; de Pashtun, de Hazara's, Tajik, Uzbek, enzovoort...

Ik ben Hazara. Een Hazara die altijd vernederd is geweest in Afghanistan.

Een Hazara die voor een gewoon en veilig leven moest vluchten uit zijn eigen land.

Een Hazara die zonder specifieke reden wordt opgehangen in Iran.

Een Hazara die al jaren wordt vermoord in Pakistan en Afghanistan.

Sinds de brutale aanval op Hazara-gebieden in de tijd van Abdul Rahman Khan worden mijn volk en ik gediscrimineerd, gemarginaliseerd, weggejaagd, vervolgd of vermoord in Afghanistan.

Rahman Khan was een Pashtun die aan het begin van de vorige eeuw 62% van de Hazara bev-

olkingsgroep vernietigde en de overlevenden tot slaven maakte. Is er verschil tussen Hitler en Abdul Rahman Khan?

Hazara's waren geen mensen in de ogen van de overheersers van Afghanistan. Zij hadden geen recht op een normaal leven.

Zo'n honderd jaar later:

- In Quetta, Pakistan wordt sinds meer dan tien jaar onophoudelijk genocide gepleegd op Hazara's; niemand stopt de Lashk-e Jhangvi, niemand beschermd de Hazara wijken.

- Vanuit Iran worden dagelijks lichamen van opgehangen Hazara's terug gestuurd naar Afghanistan.

- Dagelijks vluchten Hazara's uit Afghanistan en Pakistan op zoek naar veiligheid. Zij riskeren hun levens met het oversteken van landsgrenzen en oceanen.

Waarom moeten Hazaras nog steeds vluchten, niet alleen uit eigen land maar ook uit de buurlanden van Afghanistan?

Waarom vinden Hazara's geen erkenning als bedreigde min-

Pakistan.

- Fatima Atif Mensenrechten activiste voor internetvrijheid bij Bytes for All, voor vrouwen en meisjes en voor Hazara's in Islamabad, zij spreekt vanuit Pakistan over de situatie van Hazara's in Quetta.

- Dr. Tahir Shaaran- Onderzoeker bij het Max-planck instituut in Heidelberg en president van de World Hazara Council (WHC) overkoepelende non-

politieke organisatie met als doel het intensiveren en faciliteren van samenwerking van de Hazara diaspora. Hij spreekt over de verkiezingen in Afghanistan, de participatie van Hazara's en de zorg na terugtrekking van de Nato.

- Anne Martha - mede-organisator en Mensenrechten activiste voor vluchtelingen in procedure, brengt verslag uit over het Algemeen ambtsbericht van Afghanistan

- Harry van Bommel- tweede kamerlid SP en lid Commissie Buitenlandse zaken; ondersteund de strijd van Hazara's

- Luci Woodland- Voorzitter van Friends of Hazaras en Secretaris van de Hazara all Party Paliament group (HAPPG) uit de U.K, zij spreekt over het ontstaan en de activiteiten van de HAPPG inclusief hun recentelijk bezoek aan de UNHRC in Geneve.





Verslag Seminar: Mensenrechten voor Hazara's

Op maandag ۲۶ mei vond in perscentrum Nieuwspoor in Den Haag de seminar van Mensenrechten voor Hazara's plaats.

Tientallen mannen, vrouwen, een vertegenwoordiger van het Nederlandse Ministerie van Buitenlandse Zaken voor Afghanistan en Pakistan, mensenrechten activisten en een verslaggever waren aanwezig.

Een internationaal panel van sprekers was uitgenodigd om

te vertellen over de situaties van Afghanistan, Pakistan en de stand van zaken voor Afghaanse vluchtelingen en mensenrechten organisaties voor Hazara's:

In deze Oral uitgebreid kennis nemen van wat de sprekers ons hebben meegedeeld:

- Zarkari Isa- tolk-vertaler uit België geeft een overzicht van de geschiedenis van Hazara's en spreekt over de situatie van

Hazara-vluchtelingen in onder meer Iran en Turkije.

- Bazil Nicobin-
Mensenrechten activist uit Oslo Noorwegen.

- Hedeyet Alizadah-
Organisator,
vertegenwoordiger Hazara's in Holland, founder Agah foundation onderwijsinstituut in Kabul, gaat specifiek in op specifieke problemen van Hazara's in Afghanistan en

Oral Magazine

اورال

شماره پنجم می ۲۰۱۴ جوزا و سرطان ۱۳۹۳